

سلسله پژوهش‌های اعتقادی (۴۵)

## باورهایی از معاد (۱)

۱. میزان و سنجش اعمال

۲. گشوده شدن نامه اعمال

۳. سخن گفتن اعضا

آیت الله سید علی حسینی میلانی

سرشناسه: حسینی میلانی، علی، ۱۳۲۶-  
عنوان قراردادی: المواظ الفاخره فی امور الاخره. فارسی  
عنوان و نام پدیدآور: باورهایی از معاد ۱ / سید علی حسینی میلانی ; [ترجمه و ویرایش هیئت تحریریه انتشارات الحقایق].  
مشخصات نشر: قم: انتشارات الحقایق، ۱۳۹۳.  
مشخصات ظاهری: ۱۰۴ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ سم.  
فروست: سلسله پژوهش های اعتقادی ; ۴۵.  
شلیک: ۳۷۰۰۰ ریال: ۹-۸۵-۵۳۴۸-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰-۵۳۴۸-۸۵-۹  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
موضوع: معاد  
شناسه افزوده: انتشارات الحقایق  
رده بندی کنگره: BP ۲۲۲ / ح ۵۴ م ۸۰۴۱ ۱۳۹۳  
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۴  
شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۱۱۳۵

نام کتاب: باورهایی از معاد ۱  
تألیف: آیت الله سید علی حسینی میلانی  
ترجمه و ویرایش: هیئت تحریریه انتشارات الحقایق  
ناشر: الحقایق  
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه  
نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۳  
چاپ: ستاره  
قیمت: ۳۷۰۰۰ ریال  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۴۸-۸۵-۹

حقوق چاپ محفوظ است

مراکز پخش:

- قم: خیابان صفائیه، رو به روی صندوق قرض الحسنه دفتر تبلیغات، تلفن: ۰۲۵۱-۷۸۳۷۳۲۰
- تهران: خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، تلفن: ۰۲۱-۷۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۴)
- تهران: خیابان پاسداران، خیابان شهید گلینی، نیش خیابان ناطق نوری، ساختمان زمرد، طبقه دوم، پلاک ۴۳، نشر آفاق، تلفن: ۰۲۱-۲۲۸۴۷۰۳۵
- مشهد: چهارراه شهدا، پشت باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان، پاساژ گنجینه کتاب، انتشارات نور الکتاب (میلان)، تلفن: ۰۵۱۱-۲۲۴۲۲۶۲ ۰۹۱۵۱۱۹۹۴۸۶
- اصفهان: چهارباغ پایین، رو به روی ورزشگاه تختی، مرکز تخصصی حوزه علمیه اصفهان، تلفن: ۰۳۱۱-۲۲۲۳۴۲۳
- تبریز: خیابان امام خمینی، نرسیده به میدان ساعت، بازار بزرگ تربیت، طبقه پایین، پلاک ۲۶، ندای شمس، تلفن: ۰۴۱۱-۵۵۴۰۲۵۲
- زنجان: پایانه هفت تیر، واحد اتوبوس رانی، نمایشگاه کتاب گلستان، تلفن: ۰۲۴۱-۳۲۲۰۹۹۰

نشانی اینترنت: [www.al-haqaeq.org](http://www.al-haqaeq.org) — پست الکترونیک: [info@al-haqaeq.org](mailto:info@al-haqaeq.org) — سامانه پیام کوتاه: ۱۰۰۰۱۴۱۴

سرآغاز ۹...

### بخش یکم

میزان و سنجش اعمال ۱۵...

ایمان به میزان ۱۷...

میزان از دیدگاه آیات ۱۷...

میزان از دیدگاه روایات ۲۰...

سخنان علما در وجوب باور به میزان ۲۵...

۱. شیخ صدوق رحمه الله ۲۵...

۲. محقق طوسی رحمه الله ۲۶...

۳. علامه حلی رحمه الله ۲۶...

۴. فاضل مقداد سیوری رحمه الله ۲۷...

۵. علامه مجلسی رحمه الله ۲۷...

معنای میزان و چگونگی سنجش اعمال ۲۸...

۱. منظور از میزان، انبیا و اوصیا هستند ۲۸...

۲. میزان، همان عدالت است ۲۹...

۳. میزان، همان ترازوی معروف است که دو کفه و یک تیغه دارد ۳۲...

چه چیزی را در میزان می گذارند؟ ۳۴...

خود اعمال ۳۴...

نامه اعمال ۳۶...

خود مؤمن و کافر ۳۷...

علامت هایی برای اعمال خوب و گناهان ۳۷...

صورت هایی برای اعمال خوب و گناهان ۳۷...

### بخش دوم

گشوده شدن نامه اعمال ۴۱...

اعتقاد به گشوده شدن نامه اعمال ۴۳...

دیدگاه قرآن ۴۴...

دیدگاه روایات ۴۷...

سخنان علما ۵۷...

### بخش سوم

سخن گفتن اعضا ۷۱...

اعتراف اعضا ۷۳...

دیدگاه قرآن ۷۴...

دیدگاه روایات ۷۶...

دیدگاه عالمان ۸۲...

شیخ صدوق رحمه الله ۸۲...

علامه مجلسی رحمه الله ۸۳...

سید عبدالله شبّر رحمه الله ۸۴...

چگونگی گواهی دادن اعضا و جوارح ۸۴...

دیگر شاهدان عرصه قیامت ۸۵...

۱. رسول خدا صلی الله علیه وآله ۸۶...

۲. ائمه معصوم علیهم السلام ۸۷...

۳. قرآن کریم ۸۸...

۴. فرشتگان ۹۰...

۵. بندگان مؤمن هر امت ۹۱...

۶. اماکن ۹۲...

۷. روز و شب ۹۲...

کتاب نامه ۹۵...

## سرآغاز

. . . آخرین و کامل ترین دین الاهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الاهی با نبوت آن حضرت پایان پذیرفت. دین اسلام در شهر مکه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلی الله علیه وآله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی جزیره العرب را فرا گرفت. ادامه این راه الاهی در هجدهم ذی الحجه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای منان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الاهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دین مورد پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفوروزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.

دیری نپایید که برخی اطرافیان پیامبر صلی الله علیه وآله، — با توطئه هایی از پیش مهیا شده — مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه وآله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیر و سردرگمی قرار دادند. آنان از همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس های شیطانی، حقایق اسلام را — که همچون آفتاب جهان تاب بود — پشت ابرهای سیاه شك و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه ها، حقایق اسلام و سخنان دربار پیامبر خدا صلی الله علیه وآله، توسط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی ها، شبهه ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علامه حلی، قاضی نورالله، میر حامد حسین، سید شرف الدین، امینی و... همچون ستارگانی پرفروز می درخشند؛ چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین واقعیات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ گویی شبهات پرداخته اند...

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندانی که با قلمی شیوا و بیانی رسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر و الامقام حضرت آیت الله سید علی حسینی میلانی، می باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیای آثار پربار و گران سنگ آن محقق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظم له، آن ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظم له است که اینک "فارسی زبانان" را با حقایق اسلامی آشنا می سازد.

امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیة الله الأعظم، حضرت ولی عصر، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مرکز حقایق اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله ربّ العالمين، والصلاة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم أجمعين من الأولين والآخرين.

عالمان مسلمان درباره امور جهان آخرت، کتاب های فراوانی نگاشته اند. این جانب نیز پیش از این کتاب «الاعتقاد بالمعاد» را به رشته تحریر در آوردم. نگارش این اثر در سال ۱۳۹۱ هجری قمری به پایان رسید. در بخش «خاتمه» آن اثر، سه بحث «میزان»، «گشوده شدن نامه اعمال» و «سخن گفتن اعضای بدن در جهان آخرت» را آوردم و پس از آن نیز به مناسبت، بحث های شفاعت و توبه را به آن افزودم.

این پنج موضوع در پرتو آیات قرآن کریم و روایات پیامبر صلی الله علیه وآله و امامان معصوم علیهم السلام به رشته تحریر درآمد. هرچند کوشیدیم در تدوین این خاتمه، از گفته های بزرگان علم تفسیر، حدیث و کلام بهره بگیریم، اما کمتر وارد جزئیات مسائل اختلافی در علم کلام شده ایم. با توجه به نیاز تشنگان معارف دینی و لزوم آگاهی بیشتر خوانندگان گرامی از مباحث مربوط به جهان آخرت، بر آن شدیم تا این مباحث پنج گانه را به طور جداگانه و در قالب کتابی با عنوان «المواعظ الفاخرة في أمور الآخرة»<sup>۱</sup> به جامعه اسلامی عرضه نماییم. زیرا باور داریم آگاهی هر انسان مؤمن از این مسائل و اعتقاد به آن ها گذشته از این که يك وظیفه و ضرورت است، از جنبه تربیتی نیز اثری بسیار فراوان به همراه دارد؛ چراکه باور داشتن به مجموعه این مسائل، موجب می شود انسان مؤمن در حالت میان «خوف و رجاء؛ بیم و امید» قرار گیرد. بی تردید ایجاد چنین حالتی در میان پیروان شریعت، یکی از مهم ترین آموزه های گرانبهای شریعت مقدس اسلام است.

۱ . گفتنی است که عنوان فارسی آن «باورهایی از جهان آخرت» انتخاب شده است.

اسلام کوشیده از راه آموزه های بسیار ارزشمند خود این حالت را در میان مؤمنان و معتقدان به شریعت، ایجاد کند. به همین دلیل است که کتاب های اخلاقی فراوان و بحث های علمی زیادی در این راستا نگاشته شده است.

از خداوند سبحان خواهانیم عنایت فرماید که مؤمنان از این اثر بهره مند گردند.

۱۴۳۱ هجری قمری

سید علی حسینی میلانی



بخش یکم

میزان و سنجش اعمال

### ایمان به میزان

از بحث های مهم در امور جهان آخرت، بحث میزان و سنجش اعمال است. روشن است که ایمان به «میزانی» که در روز قیامت نهاده می شود تا اعمال انسان ها با آن سنجیده شود، يك واجب دینی است.

البته واجب نیست انسان حقیقت این میزان، کیفیت و ماهیت آن را بداند، بلکه اعتقاد اجمالی به وجود این میزان واجب است.

قرآن کریم، سنت نبوی صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام و نیز اجماع همه ثابت می کنند که در روز آخرت، «میزان» خواهد بود.

### میزان از دیدگاه آیات

اگرچه عقل نیز امکان وجود چنین امری را تأیید می کند. اما در این جا، می کوشیم تا باور به میزان را با بیان دلیل های قرآنی، روایی و اجماع تبیین و اثبات نماییم. شماری از آیات قرآن کریم به هنگام سخن گفتن از قیامت، از وجود میزان برای سنجش اعمال در روز قیامت پرده برمی دارند. در آیه ای این گونه آمده است:

(وَالْوِزْنَ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ \* وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ)<sup>۲</sup>

میزان سنجش اعمال در آن روز، حق است، کسانی که کفه اعمالشان سنگین است، همان رستگارانند و کسانی که کفه اعمالشان سبک است، افرادی هستند که سرمایه وجود خود را، به جهت ظلم و ستمی که نسبت به آیات ما روا می داشتند، از دست داده اند. در آیه دیگری می خوانیم:

(وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ)؛<sup>۳</sup>

ما ترازوهای عدل را در روز قیامت برپا می کنیم؛ پس به هیچ کس کمترین ستمی نمی شود؛ و اگر به اندازه يك دانه خردل (كار نيك و بدی) باشد، ما آن را حاضر می کنیم؛ و کافی است که ما حساب گر باشیم.

در آیات دیگری آمده:

(فَمَنْ تَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ \* وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ)؛<sup>۴</sup>

و کسانی که کفه اعمالشان سنگین است، همان رستگارانند و آنان که کفه اعمالشان سبک باشد، کسانی هستند که سرمایه وجود خود را از دست داده، در دوزخ جاودانه خواهند ماند.

در آیه های دیگری می خوانیم:

(فَأَمَّا مَنْ تَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ \* فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ \* وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ \* فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ \* وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَةٌ \* نَارًا حَامِيَةً)؛<sup>۵</sup>

اما کسی که (در آن روز) کفه اعمالش سنگین است، در يك زندگی خوشنودکننده خواهد بود. و اما کسی که کفه اعمالش سبک است، پناهگاهش «هاویه» است. و تو چه می دانی «هاویه» چیست؟! آتشی سوزان است.

### میزان از دیدگاه روایات

علاوه بر آیات قرآن کریم، در شمار فراوانی از روایات اهل بیت علیهم السلام، مسأله وجود میزان در روز قیامت دیده می شود که این، دلیل دیگری بر سنجش اعمال در روز رستاخیز به وسیله میزان است. برخی روایات در ذیل می آید:

در روایتی امام سجاد علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل می کنند که ایشان فرمودند:

ما يوضع في ميزان امرئ يوم القيامة أفضل من حسن الخلق؛<sup>۶</sup>

۳ . سوره انبياء: آیه ۴۷ .

۴ . سوره مؤمنون: آیات ۱۰۲ - ۱۰۳ .

۵ . سوره قارعه: آیات ۷ - ۱۱ .

۶ . الکافی: ۹۹/۲، باب «حسن الخلق» حدیث ۲، بحار الانوار: ۷ / ۲۴۹، حدیث ۷، وسائل الشیعة: ۱۲ / ۱۵۱، باب استحباب

حسن الخلق مع الناس، حدیث ۱۳، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۱ / ۴۰ - ۴۱، حدیث ۹۸، در عیون اخبار الرضا این

روایت به این صورت آمده:

ما من شيء أثقل في الميزان من حسن الخلق؛

در روز قیامت، هیچ عملی بهتر از نیک خویی در ترازوی اعمال انسان قرار نمی گیرد. هم چنین در موعظه های حضرت امام سجاد علیه السلام این گونه آمده است که فرمود:

ثُمَّ رَجَعَ الْقَوْلُ مِنَ اللَّهِ فِي الْكِتَابِ عَلَى أَهْلِ الْمَعَاصِي وَالذُّنُوبِ، فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ: (وَلَيْسَ مَسْتَهُمْ نَفْحَةٌ مِنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ).<sup>۷</sup>

فَإِنْ قُلْتُمْ أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ إِنَّمَا عَنَى بِهَذَا أَهْلَ الشِّرْكِ، فَكَيْفَ ذَلِكَ، وَهُوَ يَقُولُ: (وَوَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ).<sup>۸</sup>

إِذَا نَصَبَ الْمَوَازِينَ وَنَشَرَ الدَّوَابِينَ لِأَهْلِ الْإِسْلَامِ...<sup>۹</sup>

این فرموده خداوند متعال در قرآن، مربوط به گناهکاران است؛ آن جا که می فرماید: «اگر کمترین عذاب از جانب پروردگارت به آنان برسد، فریادشان بلند می شود که: «ای وای بر ما! ما همگی ستمگر بودیم!»

(سپس حضرت فرمودند:) ای مردم! اگر بگوئید که این آیه درباره مشرکان نازل شده است، چگونه این سخن درست است در حالی که در آیه بعد می فرماید: «ما ترازوهای عدل را در روز قیامت برپا می کنیم؛ پس به هیچ کس کمترین ستمی نمی شود؛ و اگر به اندازه یک دانه خردل (کار نیک و بدی) باشد، ما آن را حاضر می کنیم؛ و کافی است که ما حساب گر باشیم»

(سپس حضرت فرمودند:) ای بندگان خدا! آگاه باشید که برای مشرکان میزان قرار داده نمی شود و نامه عملی نیز برای آنان باز نمی شود. بلکه آنان را دسته دسته به دوزخ می برند. میزان و نامه عمل تنها برای مسلمانان است... .

در روایتی دیگر هشام بن حکم می گوید:

زندیقی از امام صادق علیه السلام پرسید: مگر نه این است که اعمال در ترازوی سنجش قرار می گیرد؟

حضرت فرمود:

---

برای ترازوی قیامت سنگین تر از نیک خویی وجود ندارد.

(۷) سوره انبیاء، آیه ۴۶.

(۸) همان، آیه ۴۷.

(۹) الکافی: ۸ / ۷۴ - ۷۵، خطبه و نصیحت امام سجاد علیه السلام در روزهای جمعه، حدیث ۲۹، بحار الانوار: ۷ / ۲۵۰،

حدیث ۸، مجموعه الشیخ ورام: ۲ / ۴۹، امالی شیخ صدوق: ۵۹۵. در عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۱ / ۳۷، حدیث

۶۶ این گونه آمده:

إِنَّ الْمَشْرِكَ لَا يَحْسَبُ، بَلْ يَوْمَ بِهِ إِلَى النَّارِ؛

همانا مشرک مورد محاسبه قرار نمی گیرد، بلکه به او دستور داده می شود که مستقیماً وارد دوزخ شود.

لا، إن الأعمال ليست بأجسام وإنما هي صفة ماعملوا، وإنما يحتاج إلى وزن الشيء من جهل عدد الأشياء، ولا يعرف ثقلها أو خفتها، وإن الله لا يخفى عليه شيء؛

نه، اعمال، جسم نیستند، بلکه فقط ویژگی و صفت کارهایی است که (انسان ها) انجام داده اند. وقتی نیازی به وزن کردن اعمال هست که فرد، شمارش اشیا و سنگینی یا سبکی آن ها را نداند؛ در حالی که هیچ چیز بر خداوند پوشیده نیست.

آن فرد پرسید: پس معنای میزان چیست؟

حضرت فرمود: عدل و دادگری.

زندیق پرسید: پس معنای این آیه که در قرآن آمده (فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ)؛ «هر کس کفه اعمالش سنگین شد»، چیست؟

حضرت فرمود: «فمن رجح عمله؛ کسی که اعمال نیک او بیشتر از گناهانش باشد»<sup>۱۰</sup>.

در نامه ای که امام رضا علیه السلام به مأمون نوشتند، چنین آمده:

ويؤمن بعذاب القبر، ومنكر ونكير، والبعث بعد الموت، والميزان والصراف، والبرائة من الذين ظلموا آل محمد صلى الله عليهم أجمعين»<sup>۱۱</sup>؛

ایمان به عذاب قبر، منکر و نکیر، برانگیخته شدن بعد از مرگ، میزان، صراط و برائت جستن از ظالمان به خاندان حضرت محمد صلی الله علیه وآله واجب است.

روایت دیگری را در این زمینه امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش از حضرت علی علیه السلام نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه وآله در خطبه ای طولانی درباره فضیلت ماه رمضان فرمودند:

... ومن أكثر فيه من الصلاة عليّ ثقل الله ميزانه يوم تخفف الموازين...؛

... هر کس در این ماه بر من صلوات و درود فراوان بفرستد، خداوند در روزی که

کفه های ترازوی اعمال مردمان سبک باشد، کفه ترازوی او را سنگین می کند...<sup>۱۲</sup>.

هم چنان که حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز در خطبه های متعدد خود، به میزان اشاره کرده، روایات دیگری نیز در این باره نقل شده است...<sup>۱۳</sup>

۱۰ . الإحتجاج: ۲ / ۹۸ و ۹۹ . بحار الانوار: ۷ / ۲۴۸ - ۲۴۹، حدیث ۳.

۱۱ . عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۱ / ۱۳۳، باب ۳۵ . بحار الانوار: ۱۰ / ۳۵۸، ذیل حدیث ۱.

۱۲ . فضائل الأشهر الثلاثة، شیخ صدوق: ۷۸، حدیث ۶۱، الامالی شیخ صدوق: ص ۱۵۵ مجلس شماره ۲۰، حدیث ۴، عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲ / ۲۶۶ باب ۲۸، حدیث ۵۳، وسائل الشیعه: ۱۰ / ۳۱۴ باب «تأكد استحباب الإجتهد في العبادة»، حدیث ۲۰، بحار الانوار: ۹۳ / ۳۵۷، حدیث ۲۵.

۱۳ . الکافی: ۲ / ۵۰۶، حدیث ۲، من لا یحضره الفقیه: ۱ / ۲۰۷، حدیث ۲، در همین منبع (۲ / ۵۸۴) آمده که امام رضا علیه السلام فرمودند:

علاوه بر این، روایات دیگری نیز از اهل سنت در این زمینه آمده که اهل سنت آن‌ها را نقل کرده‌اند.<sup>۱۴</sup>

### سخنان علما در وجوب باور به میزان

روشن است که راه شناخت میزان — هم چون دیگر مسائل مربوط به جهان آخرت — شنیدنی و نقلی است که انسان‌هایی صادق و راستگو از آن خبر می‌دهند. به همین دلیل مناسب است در این جا برخی عبارات صریح علما درباره وجوب پذیرفتن و اعتقاد به میزان و نیز سخنان آنان درباره کافر بودن منکران آن را بیان کنیم تا منظور آیات و روایات روشن شود.

#### ۱. شیخ صدوق رحمه الله

شیخ صدوق رحمه الله در باب «اعتقاد به حساب و میزان» می‌نویسد:  
اعتقاد ما این است که حساب، حق است...<sup>۱۵</sup>

از امام صادق علیه السلام درباره این آیه سؤال شد: (وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا)<sup>۱۶</sup> «ما ترازوهای عدل را در روز قیامت برپا می‌کنیم؛ پس به هیچ کس کمترین ستمی نمی‌شود».

حضرت پاسخ دادند:

#### الموازين: الأنبياء والأوصياء...<sup>۱۷</sup>

منظور از موازین در این آیه، پیامبران و جانشینان آن‌ها هستند.

#### ۲. محقق طوسی رحمه الله

---

من زارني على بُعد داري أتيته يوم القيامة في ثلاثة مواطن حتى اخلصه من أهوالها: إذا تطائر الكتب يميناً وشمالاً وعند الصراط وعند الميزان;

کسی که مرا با دوری خانه ام زیارت کند در روز قیامت در سه مورد به سراغ او می‌آیم، تا او را از هول و هراس‌های آن موارد نجات بخشم:

وقتی که نامه‌های اعمال از راست و چپ به پرواز درآیند، در کنار پل صراط، و در کنار میزان.

۱۴. ر.ك: مسند أحمد: ۲ / ۱۸۶ و ۲۲۵، السنن دارمی: ۱ / ۹، صحیح بخاری: ۷ / ۱۶۸، صحیح مسلم: ۸ / ۷۰، سنن ابن ماجه: ۱ / ۱۰۳، تفسیر قرطبی: ۱ / ۶۷ و ۴ / ۱۶۶ و ۷ / ۱۶۵، زاد المسیر: ۳ / ۱۱۵، الدر المنثور: ۲ / ۹، و... .

۱۵. تصحیح اعتقادات الإمامية: ۱۱۴.

۱۶. سوره انبیاء: آیه ۴۷.

۱۷. معانی الأخبار: ۳۱ و ۳۲ باب معنی الموازین، حدیث ۱، بحار الانوار: ۷ / ۲۵۱.

محقق طوسی رحمه الله در این باره می فرماید:

وقوع بقیه امور سمعی مانند میزان، صراط و «گشوده شدن نامه اعمال» ممکن است و شنیدن، بر وقوع آن ها دلالت می کند؛ به همین دلیل واجب است که انسان آن ها را بپذیرد و به آن ها باور داشته باشد.<sup>۱۸</sup>

۳. علامه حلی رحمه الله

علامه حلی رحمه الله در این باره می فرماید:

باید به هر آن چه که پیامبر صلی الله علیه وآله آورده، از جمله: صراط، میزان، سخن گفتن اعضا و «گشوده شدن نامه اعمال» اقرار نمود، زیرا امکان آن ها وجود دارد و عقل به ممکن بودن آن ها حکم می کند و فردی راستگو از آن ها خبر داده، پس واجب است که انسان به وجود آن ها اعتراف و اقرار کند.<sup>۱۹</sup>

۴. فاضل مقداد سیوری رحمه الله

فاضل مقداد سیوری رحمه الله نیز مانند همین سخن را بیان کرده است.<sup>۲۰</sup>

۵. علامه مجلسی رحمه الله

علامه مجلسی رحمه الله نیز پس از پرداختن به موضوع میزان، می نویسد:

ما به میزان ایمان داریم و علم به جزئیات و شناخت حقیقت آن را به حاملان قرآن وامی گذاریم. ما در علم به چیزی که به صراحت برای ما بیان نشده است، وظیفه ای نداریم و خود را به تکلف و سختی نمی اندازیم.<sup>۲۱</sup>

### معنای میزان و چگونگی سنجش اعمال

علمای مسلمان درباره معنای میزان و منظور قرآن کریم و روایات از آن، اختلاف نظر دارند و اقوال مختلفی را در این باره بیان کرده اند که شایسته است از آن ها باخبر باشیم. در این جا، این اقوال را برمی شمیریم:

۱۸. کشف المراد فی شرح تجرید الإعتقاد: ۵۷۵،

۱۹. النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر: ۱۲۱، فصل هفتم

۲۰. همان.

۲۱. بحار الانوار: ۷ / ۲۵۳، باب ۱۰.

## ۱. منظور از میزان، انبیا و اوصیا هستند

این دیدگاه را شیخ صدوق رحمه الله برگزیده است.<sup>۲۲</sup>

هم چنین فیض کاشانی نیز این دیدگاه را دارد. وی می گوید:

راز این سخن این است که میزان هرچیز، معیاری است که با آن به اندازه آن چیز پی برده می شود. پس میزان مردم در روز قیامت، چیزی است که ارزش و قدر هر انسان بر اساس باور، عمل و اخلاق و خویی که دارد، سنجیده می شود؛ تا به هر فرد به واسطه آن چه به دست آورده، سزا داده شود. این میزان جز انبیا و اوصیا علیهم السلام نیستند؛ زیرا به واسطه آنان و پیروی از شریعت و آثار به جای مانده از آنان و یا ترك آن و نیز به واسطه نزدیک شدن به سیره آنان و یا دوری گزیدن از آن است که ارزش و قدر مردم و حسنات و سیئات آنان شناخته می شود.

بنابراین، میزان هر امتی، پیامبر و وصی او و شریعتی است که برایشان آورده است. بنابراین حسنات هر کس بیش تر و سنگین تر شود، رستگار است. و حسنات هر کس کم تر و سبک تر باشد، از کسانی است که با تکذیب انبیا و اوصیا و یا عدم پیروی از آنان، بر خود ستم روا داشته و خود را باخته است.<sup>۲۳</sup>

این دیدگاه را روایتی تأیید می کند که شیخ صدوق رحمه الله نقل کرده و فیض کاشانی رحمه الله نیز به آن استناد نموده است.

## ۲. میزان، همان عدالت است

شیخ مفید رحمه الله پیرو این دیدگاه است. ایشان می فرماید:

منظور از میزان ها عبارتند از: برقراری عدالت میان اعمال و دادن سزای آن اعمال و قرار دادن هر سزایی در جای خودش و رساندن هر حقی به صاحبش.

بنابراین، آن گونه نیست که حشوی ها<sup>۲۴</sup> می گویند «که در قیامت ترازوهایی هم چون ترازوهای دنیوی هست و هر ترازو دو کفه دارد که اعمال انسان ها را در آن ها می گذارند.»

زیرا که اعمال، عَرْض (صفتی که بر چیزی عارض می شود) هستند و اعراض نیز قابل وزن کردن نیستند. توصیف اعمال به سبک و سنگین نیز از روی مجاز است.

۲۲. از ظاهر سخنان شیخ صدوق رحمه الله که پیش تر گذشت، چنین برداشت می شود که وی این معنا را پذیرفته است.

۲۳. تفسیر صافی: ۲ / ۱۸۱ ..

۲۴. حشویه گروهی هستند که به ظواهر احادیث پایبند بوده و بدون هیچ تأمل و درنگی به آن چه در روایات آمده است، عمل

می کنند. ر.ک: جواهر الکلام: ۲ / ۵۵.



منظور از سنگینی اعمال این است که عمل خوب زیاد می شود و شایسته پاداش بزرگ می گردد.

و منظور از سبک بودن اعمال این است که اندازه اش کم می شود و سزاوار پاداش نیکو نیست. در روایتی آمده که فقط حضرت امیرمؤمنان علی و فرزندان پاک ایشان علیهم السلام میزان هستند. بنابر این روایت، آن بزرگواران آنان میان اعمال، عدل و هموزن برقرار می کنند و سزای اعمال را مشخص می نمایند. آنان هستند که با ابزار واجب و عدل، داور و حاکم هستند. وقتی در زبان عربی گفته می شود: فلان شخص نزد من به «میزان» فلانی است، یعنی این که او نظیر و همسنگ اوست.

یا گفته می شود: سخن فلان شخص نزد من نسبت به سخن فلان شخص، «اَوْزَن» است. یعنی این که سخن او وزین تر، والاتر و ارزشمندتر است. آن چیزی که خداوند در حساب و ترس از آن بیان کرده، واقف گردیدن بر اعمال است. زیرا کسی که بر اعمال خود واقف و مطلع گردد از پیامدهای آن نمی تواند رهایی یابد. اما کسی که خداوند از او در گذشت، نجات یافته است.

پس در آیات سوره مؤمنون نیز میزان به همین معنا آمده است که می فرماید:

رَفَمَنْ تَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ — بكَثْرَةِ اسْتِحْقَاقِ الثَّوَابِ — فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ \* وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ — بِقَلَّةِ أَعْمَالِ الطَّاعَاتِ — فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ<sup>۲۵</sup>;

هرکس — با داشتن استحقاق ثواب فراوان — کفه اعمالش سنگین شد رستگار است و هرکس — به علت کمی طاعت و عبادت — کفه اعمالش سبک شد، زیانکار است و در جهنم جاودانه خواهد بود.

قرآن کریم به زبان عرب نازل گردید و حقیقت و مجاز آن نیز بر همین روال است. قرآن کریم با الفاظ عامه و با اباطیلی که پیش از آن بود، نازل نشده است.<sup>۲۶</sup>

این دیدگاه را گروهی از جمله شیخ طوسی،<sup>۲۷</sup> شیخ فتال نیشابوری،<sup>۲۸</sup> طبرسی،<sup>۲۹</sup> فخر رازی<sup>۳۰</sup> و راغب اصفهانی<sup>۳۱</sup> پذیرفته اند. روایتی که در گذشته از هشام بن حکم نقل شد، تأیید کننده این دیدگاه است.

۲۵. سوره مؤمنون: آیه های ۱۰۲ و ۱۰۳.

۲۶. تصحیح الاعتقادات: ۱۱۴ — ۱۱۵. دیدگاه شیخ مفید رحمه الله در بحار الانوار: ۷ / ۲۵۲ نیز نقل شده است.

۲۷. التبیان فی تفسیر القرآن: ۴ / ۳۵۲.

۲۸. روضة الواعظین: ۴۹۹.

۲۹. مجمع البیان: ۴ / ۲۲۰، در مجمع البیان آمده:

۳. میزان، همان ترازوی معروف است که دو کفه و يك تيغه دارد  
عموم محدثان و مفسران مسلمان، همین دیدگاه را دارند.<sup>۳۲</sup> این شهر آشوب نیز همین باور را دارد.  
وی می گوید:

«میزان، همان ترازوی معروف است. اگر در زبان عربی به معنای دیگری نیز به کار رود، استعمال مجازی است در حالی که سخن خداوند را نمی توان بدون دلیل و یا مانع، از حقیقت به مجاز برد.»<sup>۳۳</sup>

مجاهد و ابومسلم می گویند: میزان عبارت است از عدل و برابر کردن صحیح، همان گونه که در عربی گفته می شود: «سخن فلان شخص، موزون است. یا افعال او «موزون» حساب شده، سنجیده و وزن شده» است.<sup>۳۴</sup>

شیخ بهایی رحمه الله نیز همین دیدگاه را دارد. در آینده به طرح دیدگاه او خواهیم پرداخت.  
شیخ طوسی رحمه الله و شیخ طبرسی رحمه الله می گویند:  
این دیدگاه نیکویی است؛ چرا که هم ظاهر کلام حفظ شده و هم این دیدگاه با روایتی که در این باره نقل شده، همسو است.<sup>۳۵</sup>

سید محمدباقر حجت طباطبائی، صاحب منظومه نیز همین دیدگاه را دارد و در منظومه خود این بیت را آورده:

وَصَدَقَ الْمِيزَانُ فَالذِّكْرُ نَطَقَ \*\*\* بَوْصَفِهِ فَهُوَ بِحَقِّيهِ حَقٌّ

میزان را باور کن و آن را تأیید نما. چرا که قرآن حکیم نیز آن را توصیف کرده است.  
پس میزان همراه با دو کفه اش حق است و وجود دارد.  
شارح این منظومه نیز با توضیح و بیان ادله، همین دیدگاه را پذیرفته است. اما از شیخ مفید رحمه الله و دیگران تعجب می کند که چرا در این زمینه دیدگاه دیگری دارند...<sup>۳۶</sup>

---

بهترین دیدگاه ها همان دیدگاه نخست است... که وزن عبارت است از عدل و دادگری در جهان آخرت که به راستی در آن

جهان بر هیچ کس ستم نخواهد شد.

۳۰. التفسیر الکبیر: ۱۴ / ۲۸ - ۲۹.

۳۱. تفسیر الرّاعب: ۲۵.

۳۲. ابن عباس، حسن و جبائی این دیدگاه را داشته اند. ر.ك: التبیان: ۳۹۶/۷ و ۴۰۰/۱۰.

۳۳. متشابه القرآن: ۱۲۴.

۳۴. ر.ك: الاقتصاد: ۱۳۷، التبیان فی تفسیر القرآن: ۳۵۲/۴، مجمع البیان: ۲۲۰/۴ و ۴۵/۹.

۳۵. التبیان فی تفسیر القرآن: ۴ / ۳۵۲، مجمع البیان: ۴ / ۲۲۱.

۳۶. نور الأفهام فی علم الکلام: ۲ / ۲۵۷.

جلال الدین سیوطی،<sup>۳۷</sup> قرطبی،<sup>۳۸</sup> ابن کثیر<sup>۳۹</sup> و شماری دیگر نیز همین دیدگاه را پذیرفته اند.<sup>۴۰</sup>

چه چیزی را در میزان می گذارند؟

برپایه همین دیدگاه و به دنبال پذیرش آن، بحث درباره کیفیت سنجش اعمال با ترازو پیش می آید؛ زیرا که اعمال، امور عَرَضی هستند که نمی توان آن ها را در ترازو گذاشت تا وزن شوند. از این رو، این پرسش مطرح می شود که چه چیزی را در ترازو می گذارند؟ پیروان دیدگاه سوم، برای پاسخ به این پرسش، آرای مختلفی را مطرح کرده اند.

### خود اعمال

آن چه وزن می شود، خود اعمال هستند. شیخ بهایی رحمه الله می نویسد:

«حقیقت این است که در جهان آخرت، خود اعمال — نه صحیفه اعمال — را وزن می کنند. این که گفته می شود: مجسم شدن اعمال (تبدیل شدن اعمال از حالت اعراض به جسم فیزیکی) غیر عقلی است، باید گفت: این سخن، عوامانه و سطحی است. اهل تحقیق و خواص علما بر این باورند که اصل و حقیقت يك چیز، با صورتی که در آن برای حواس ظاهری انسان ها تجلی پیدا می کند، تفاوت دارد.

اصل يك چیز با جامه ای که در ادراکات باطنی به خود می پوشد متفاوت است. ظهور سنخ يك چیز به حسب جایگاه ها و نشأت ها متفاوت می شود؛ در هر جایی لباسی به تن می کند و در هر نشأه ای جامه ای بر خود می پوشاند. مانند آب که گفته اند: رنگ آب، رنگ ظرفی است که در آن ریخته می شود.

اما اصل آن چیز که این صورت های مختلف را به خود می گیرد و گاه از آن به «سنخ» و گاه به «وجه» و گاه به «روح» تعبیر می شود، حقیقتی است که فقط علام الغیوب می داند. بنابراین، بعید نیست که چیزی در يك جا، عَرَض باشد و در جای دیگر جوهر...»<sup>۴۱</sup>

۳۷. الدر المنثور: ۳ / ۷۰، تفسیر الجلالین: ۱۹۳.

۳۸. تفسیر قرطبی: ۱۱ / ۲۹۳ — ۲۹۴.

۳۹. تفسیر القرآن العظیم: ۲ / ۲۱۰.

۴۰. تفسیر سمعانی: ۲ / ۱۶۶، تفسیر ثعالبی: ۳ / ۹، فتح الباری: ۱۳ / ۴۵۰، تفسیر عز بن عبدالسلام: ۱ / ۴۷۵، التسهیل لعلوم التنزیل: ۳ / ۲۷.

۴۱. کتاب الأربعین: ۷۹، ر.ک: شرح اصول الکافی، مولی صالح مازندرانی: ۱۱ / ۲۳۹.

جلال الدین سیوطی<sup>۴۲</sup> و سید محمدباقر حجّت طباطبایی<sup>۴۳</sup> نیز گفته اند: آن چه وزن می شود می تواند خود اعمال باشد... بنابراین، روایات نقل شده بر مجسم شدن اعمال دلالت دارند. هم چنان که آن ها وزن کردن نامه اعمال را صحیح دانسته اند.

#### نامه اعمال

آن چه وزن می شود، نامه اعمال است که در آن اعمال ثبت می شود. این دیدگاه عبدالله بن عمر و عده ای دیگر است. قرطبی<sup>۴۴</sup> این دیدگاه را برگزیده و جلال الدین سیوطی<sup>۴۵</sup> آن را جایز دانسته است؛ چرا که روایات بر این دیدگاه دلالت دارند.

#### خود مؤمن و کافر

خود مؤمن و کافر هست که وزن می شود. در روایتی آمده: عبید بن عمیر می گوید: چه بسا مردی تنومند و بزرگ را می آورند، اما به اندازه پر مگس وزن ندارد.<sup>۴۶</sup>

#### علامت هایی برای اعمال خوب و گناهان

منظور علامت هایی است که برای اعمال خوب و یا گناهان ظاهر می شوند. این علامت ها را در کفه های ترازو می گذارند و مردم نیز می ببینند. این دیدگاه جبائی است.<sup>۴۷</sup>

#### صورت هایی برای اعمال خوب و گناهان

برای کارهای نیک، صورتی نیکو و برای اعمال بد و گناهان صورتی بد ظاهر می شود. این دیدگاه از ابن عباس نقل شده است.<sup>۴۸</sup>

---

۴۲ . الدر المنثور: ۳ / ۷۱ .

۴۳ . نور الأفهام فی علم الکلام: ۲ / ۲۵۷ .

۴۴ . الجامع لأحكام القرآن: ۷ / ۱۶۵ - ۱۶۶، قرطبی می نویسد:

معلوم است که این امر به وزن کردن خود اعمال برنمی گردد، بلکه به وزن آن چه که در آن اعمال نگاشته و ثبت شده است؛

برمی گردد. در صحیح مسلم آمده: صفوان بن محرز می گوید: فردی به عبدالله بن عمر گفت: از رسول

خدا صلی الله علیه وآله چه شنیدی؟

گفت: ... صحیفه اعمال را به دستش می دهند.

عبارت «صحیفه اعمالش را به دستش می دهند»، دلیل این است که اعمال، در صحیفه ها نگاشته می شوند و همین صحیفه ها

وزن می شوند.

۴۵ . تفسیر الجلالین: ۱۹۳ .

۴۶ . مجمع البیان: ۴ / ۴۹۵ .

۴۷ . همان .

با این حال ابن کثیر کوشیده روایات گوناگون را جمع کند و دیدگاهی را برگزیند که با همه روایات مربوط به میزان، منطبق باشد. او می گوید:

«ممکن است میان همه این روایات به گونه ای جمع نمود که همه این دیدگاه ها نیز صحیح و معتبر باشند. از این رو گاهی اعمال را وزن می کنند و گاه، محل های حلول اعمال را و گاه فاعل اعمال را و خداآگاه تر است.<sup>۴۹</sup>»

#### ۴. توقّف و نپذیرفتن هیچ يك از دیدگاه های پیشین

این دیدگاه معنای سخنان علامه مجلسی رحمه الله است که پیش تر گذشت. هم چنین ظاهر سخنان مرحوم سید عبدالله شبر همین است.<sup>۵۰</sup>

#### ۵. دیدگاه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی پس از پرداختن به این موضوع می نویسد:

«بنابراین، بسیار به نظر قریب می رسد که مراد از جمله (وَ الْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ)<sup>۵۱</sup>; «میزان سنجش اعمال در آن روز، حق است» این باشد که آن میزانی که در روز قیامت اعمال با آن سنجیده می شود همانا «حق» است، به این معنا که هر قدر عمل مشتمل بر حق باشد به همان اندازه اعتبار و ارزش دارد، و چون اعمال نیک مشتمل بر حق است از این رو دارای سنگینی و وزن است. بر عکس، عمل بد از آن جایی که مشتمل بر چیزی از حق نیست و باطل صرف است، دارای وزنی نیست. پس خدای سبحان در قیامت اعمال را با «حق» می سنجد و وزن هر عملی به مقدار حقی است که در آن قرار دارد.»<sup>۵۲</sup>

گویا علامه طباطبایی با این بیان، دیدگاه نخست را پذیرفته است. آن چه وی در تفسیر سوره بقره نیز بیان داشته، تأیید کننده همین سخن است.<sup>۵۳</sup>

---

۴۸ . همان .

۴۹ . تفسیر القرآن العظیم: ۲ / ۱۷۶ .

۵۰ . حقّ الیقین فی معرفة أصول الدّین: ۲ / ۱۵۵ .

۵۱ . سوره اعراف، آیه ۸ .

۵۲ . المیزان فی تفسیر القرآن: ۸ / ۸ و ۹ .

۵۳ . همان: ۱ / ۱۷۲ .

بخش دوم

گشوده شدن نامه اعمال

### اعتقاد به گشوده شدن نامه اعمال

اعتقاد به گشوده شدن نامه اعمال و دادن نامه اعمال به صاحبانش در روز رستاخیز، از ضروری های دین است که باید به آن اعتراف نمود و باور کرد. این موضوع در قرآن کریم، روایات و سخنان دانشمندان مسلمان در دوره های مختلف مطرح شده است.

عقل نیز حکم می کند که چنین چیزی ممتنع نیست و امکان عقلی وقوع آن وجود دارد. به همین دلیل نه تنها نمی توان آن را انکار کرد، بلکه تشکیک و تردید در آن نیز جایز نیست. اینک هم چون بحث پیشین، در این بحث نیز می کوشیم با مروری بر آیات قرآن کریم، روایات و نقل سخنان دانشمندان، خوانندگان را با این موضوع اعتقادی آشنا سازیم.

### دیدگاه قرآن

اکنون آیاتی را می آوریم که در آن ها سخن از گشوده شدن نامه اعمال به میان آمده است:  
در آیه ای می خوانیم:

وَكُلَّ إِنسَانٍ أَلزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا \* أَقْرَأُ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا. ٥٤

و اعمال هر انسانی را بر گردنش آویخته ایم؛ و روز قیامت، کتابی برای او بیرون می آوریم که آن را در برابر خود، گشوده می بیند. (این همان نامه اعمال اوست!) (و به او می گوئیم:) کتابت را بخوان، کافی است که امروز، خود حساب گر خویش باشی.  
در آیه دیگری آمده است:

(وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ). ٥٥

و در آن هنگام که نامه های اعمال گشوده شود.

در جای دیگری می فرماید:

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَذَا مَا كُنْتُ أَفْعَلُ \* إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلاقٍ حِسَابِيَّ \* فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ؛<sup>۵۷</sup>

پس کسی که نامه اعمالش را به دست راستش دهند فریاد می زند: «نامه اعمال مرا بگیرد و بخواند. من یقین داشتم که به حساب اعمالم می رسم». پس او در يك زندگی رضایت بخش قرار خواهد داشت.

در آیه ای دیگر می خوانیم:

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَّ \* وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَّ؛<sup>۵۸</sup>

اما کسی که نامه اعمالش را به دست چپش بدهند می گوید: «ای کاش هرگز نامه اعمالم را به من نمی دادند».

در آیه دیگری آمده است:

وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا؛<sup>۵۹</sup>

و کتاب نامه اعمال در آن جا گذارده می شود، پس گنهکاران را می بینی که از آن چه در آن است، ترسان و هراسانند و می گویند: «ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را فرونگذاشته مگر این که آن را به شمار آورده است؟! و (این در حالی است که) همه اعمال خود را حاضر می بینند؛ و پروردگارت به هیچ کس ستم نمی کند.

در آیه ای دیگر می خوانیم:

هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.<sup>۶۰</sup>

۵۵ . سوره تکویر، آیه ۱۰.

۵۶ . ظن در این آیه شریفه به معنای یقین است.

۵۷ . سوره حاقه، آیه های ۱۹ — ۲۱.

۵۸ . همان، آیه ۲۵.

۵۹ . سوره کهف: آیه ۴۹.

۶۰ . سوره جاثیه: آیه ۲۹.



این کتاب ماست که به حق با شما سخن می گوید (و اعمال شما را بازگو می کند); ما آن چه را انجام می دادید می نوشتیم.

#### دیدگاه روایات

روایاتی که معنای «نامه اعمال» را بیان می کنند و بر آن تأکید دارند، بسیار فراوان هستند. در این جا برخی روایات را می آوریم:

سالار و مولای ما امام سجاد علیه السلام در یکی از دعاهاى خویش چنین می فرماید:

اللهم يسّر على الكرام الكاتين مئوتنا واملأ لنا من حسناتنا صحائفنا ولا تخزنا عندهم بسوء أعمالنا؛<sup>۶۱</sup>  
خدایا! زحمت و رنج ما را بر نویسندگان گرامی (فرشتگانی که اعمال را می نویسند)  
آسان گردان، و نامه های (اعمال) ما را از حسنات و نیکی های ما پر کن و ما را نزد  
آنان به بدی کردارهای خود رسوا مکن.

هم چنین حضرت امام زین العابدین علیه السلام در دعای دیگری می فرماید:

... حتى ينصرف عنا كتاب السيئات بصحيفة خالية من ذكر سيئاتنا ويتولى كتاب الحسنات عنا  
مسرورين بما كتبوا من حسناتنا؛<sup>۶۲</sup>

... تا فرشتگان نویسنده بدی ها با نامه ای خالی از گناه از نزد ما باز گردند و فرشتگان  
نویسنده نیکی ها بر اثر آن چه از نیکی هایمان نوشته اند، شادمان به نزد تو آیند.

در روایتی امام سجاد علیه السلام می فرماید: حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام در یکی از  
سخنرانی هایش فرمود:

... ثم من دون ذلك أهوال القيامة ويوم الحسرة والندامة، يوم ينصب فيه الموازين وتشر الدواوين  
لإحصاء كل صغيرة وإعلان كل كبيرة، يقول الله في كتابه: (وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلُمُ رَبُّكَ  
أَحَدًا)؛<sup>۶۳</sup>

... آن گاه غیر این ها مراحل ترسناک روز رستاخیز و روز حسرت و افسوس و  
پشیمانی است؛ روزی که میزان ها نصب می شود، نامه ها باز می شود تا هر  
گناه کوچکی شمرده شود و گناهان بزرگ آشکار گردد. خدای متعال در قرآن کریم  
می فرماید: «همه اعمال خود را حاضر می بینند و پروردگارت به هیچ کس ستم  
نمی کند...»

۶۱ . صحیفه سجادیه، ص ۵۶، دعای ۲۱، دعای حضرت امام سجاد علیه السلام در صبح و شب، بحار الأنوار: ۹۴ / ۳۰۷.

۶۲ . همان: ۷۶، دعای ۳۳، دعای حضرت امام سجاد علیه السلام در طلب عاقبت خیر.

۶۳ . سوره کهف: آیه ۴۹.

آن گاه حضرتش فرمود:

أيها الناس! الآن الآن مادام الوثائق مطلقاً، والسراج منيراً، وباب التوبة مفتوحاً من قبل أن يجفّ القلم وتطوى الصحف، فلا رزق ينزل، ولا عمل يصعد، المضمّر اليوم، والسباق غداً، فإتكم لاتدرون إلى جنة أو إلى نار، استغفروا لله لي ولكم؛<sup>٦٤</sup>

ای مردم! هم اکنون که بندی بر پای ندارید، تا چراغ روشن است، در توبه باز است، تا پیش از این که قلم خشک و نامه درهم پیچیده شود اقدام کنید؛ نه این که صبر کنید تا زمانی که روزی فرود نیاید و کرداری نیز بالا نرود، امروز زمان ریاضت و فردا هنگام پیشی گرفتن به سوی بهشت است، زیرا شما نمی دانید بهشتی هستید یا دوزخی و من از خدا برای خود و شما آمرزش می خواهم.

در روایت دیگری سالار و مولای ما امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ»<sup>٦٥</sup> می فرماید:

خیره و شرّه معه حيث كان، لا يستطيع فراقه حتّى يعطى كتابه يوم القيامة بما عمل؛<sup>٦٦</sup>  
خیر و شرّ انسان همه جا همراهش هست. نمی تواند از آن دور شود تا این که نامه اعمالش را در روز قیامت به او بدهند.

در سخن دیگری سالار و مولای ما امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «أَقْرَأُ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا»<sup>٦٧</sup> می فرماید:

يذكر العبد جميع ما عمل و ما كتب عليه حتّى كأنه فعله تلك الساعة، فلذلك قالوا: (يا وَيْلَتَنَا ما لِهَذَا الْكِتَابِ لا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلا كَبِيرَةً إِلا أَحْصَاهَا)؛<sup>٦٨-٦٩</sup>

هرکاری را که بنده انجام داده و آن چه برایش نگاشته اند، به یادش می آورند. گویا که همان لحظه آن ها را انجام داده است. به همین دلیل در آن روز می گویند: «ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ کار کوچک و بزرگی را فرونگذاشته مگر این که آن را به حساب آورده است».

هم چنین امام صادق علیه السلام در سخن دیگری می فرماید:

---

٦٤ . مجموعه شیخ ورام: ٢ / ٨٩ ، امالی شیخ طوسی: ٦٨٥ ، مجلس روز جمعه چهاردهم شعبان، حدیث شماره ٩ ، بحار الانوار: ٧٤ / ٣٧٧ .  
٦٥ . سوره اسراء، آیه ١٣ .  
٦٦ . تفسیر القمی: ٢ / ١٧ ، بحار الانوار: ٧ / ٣١٢ ، حدیث ١ .  
٦٧ . سوره اسراء، آیه ١٤ .  
٦٨ . سوره كهف، آیه ٤٩ .  
٦٩ . تفسیر العیاشی: ٢ / ٢٨٤ ، حدیث ٣٣ و ص ٣٢٨ ، حدیث ١٨ ، بحار الانوار: ٧ / ٣١٤ و ٣١٥ ، باب ١٦ ، حدیث ٩ .

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِذَا أَرَادَ أَنْ يَحَاسِبَ الْمُؤْمِنَ أَعْطَاهُ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ وَحَاسِبَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ، فَيَقُولُ: عِبْدِي فَعَلْتَ كَذَا وَكَذَا، وَعَمِلْتَ كَذَا وَكَذَا، فَيَقُولُ: نَعَمْ، يَا رَبِّ قَدْ فَعَلْتُ ذَلِكَ.

فَيَقُولُ: قَدْ غَفَرْتُهَا لَكَ، وَأَبْدَلْتُهَا حَسَنَاتٍ، فَيَقُولُ النَّاسُ: سَبْحَانَ اللَّهِ أَمَا كَانَ لِهَذَا الْعَبْدِ سَيِّئَةٌ وَاحِدَةٌ؟ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ \* فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا \* وَنَنقَلِبُ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا).<sup>٧٠</sup> وإذا أراد بعبد شرًّا حاسبه على رؤوس الناس وبكته، وأعطاه كتابه بشماله وهو قول الله عزَّوجلَّ: (وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ \* فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا \* وَيَصْلِي سَعِيرًا \* إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا...)<sup>٧١، ٧٢</sup>.

وقتی خداوند تبارک و تعالی می خواهد به محاسبه اعمال مؤمن بپردازد، نامه اعمالش را به دست راستش می دهد و بین خودش و بنده مؤمنش، به محاسبه می پردازد. خداوند به او می گوید: ای بنده من! چنین و چنان کردی، فلان عمل را انجام دادی. او نیز می گوید: بله، ای پروردگار! من چنین کرده ام.

خداوند می فرماید: گناهت را آمرزیدم و آن را به حسنه و نیکی تبدیل کردم. مردم با شگفتی می پرسند: سبحان الله! مگر این بنده، حتی يك گناه نداشته است؟ این همان فرموده خداوند متعال که می فرماید: «پس کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شود، به زودی حساب آسانی برای او می شود، و خوشحال به اهل و خانواده اش بازمی گردد».

اما وقتی بخواهد برای بنده ای محاسبه کند که انسان صالحی نبوده، در برابر مردم و با نامه اعمالش او را مورد محاسبه قرار می دهد و بر او با دلیل چیره می شود و نامه عملش را به دست چپش می دهد. این همان فرموده خداوند متعال است که می فرماید: «و اما کسی که نامه اعمالش از پشت سرش (به دست چپش) داده شود، پیوسته هلاکت خود را طلب می کند و در شعله های سوزان آتش می سوزد؛ چرا که او در میان خانواده اش پیوسته (از کفر و گناه خود) مسرور بود...».

در این روایت اشاره شده که دستان کافران و منافقان به گردنشان آویزان و بسته شده و صحیفه اعمالشان را از پشت سر به دست چپشان می دهند. اما در مورد مؤمن این گونه نیست. هم چنین در دعای مخصوص وضو نیز به همین معنا اشاره شده است. در دعای وضو آمده که به هنگام شستن دست راست این دعا خوانده شود:

٧٠. سوره انشاق: آیه های ٧ - ٩.

٧١. همان، آیه های ١٠ - ١٣.

٧٢. حقّ الیقین: ٢ / ١٧٢، به نقل از: کتاب الزّهد حسین بن سعید اهوازی: ٩٢، حدیث ٢٤٦، بحار الانوار: ٧ / ٣٢٤ -

٣٢٥، حدیث ١٧.

اللهم أعطني كتابي بيمينى والخلد فى الجنان بيسارى، وحاسبني حساباً يسيراً؛  
خدایا [در روز قیامت] نامه اعمالم را به دست راستم بده و جاودانى در بهشت را به  
دست چپم و حساب مرا آسان بگیر.  
و به هنگام شستن دست چپ نیز این گونه دعا کنیم:

اللهم لا تعطني كتابي بشمالى ولا تجعلها مغلوله الى عنقى وأعوذ بك من مقطعات النيران؛<sup>۷۳</sup>  
خدایا! [در روز قیامت] کتابم را به دست چپم نده و دستم را بر گردنم زنجیروار آویزان  
مگردان، که من از پاره های آتش دوزخ به تو پناه می آورم.  
روایت دیگری را در این زمینه مولای ما امام باقر علیه السلام از پدر بزرگوار خویش نقل می کند  
که حضرتش می فرماید:

إن الملك الموكل بالعبد يكتب فى صحيفة أعماله، فأملوا فى أولها خيراً وفى آخرها خيراً، يغفر لكم ما بين ذلك؛<sup>۷۴</sup>  
فرشته گماشته شده برای بنده، اعمالش را در صحیفه اعمالش می نویسد. پس شما در  
آغاز و پایان این صحیفه اعمال خیر ثبت کنید تا خداوند میان آن را بیامزد.  
در روایتی دیگر خالد بن نجیح می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

إذا كان يوم القيامة دفع إلى الإنسان كتابه، ثم قيل له: اقرأ؛  
وقتی روز قیامت فرا می رسد، نامه اعمال را به انسان می دهند. سپس به او گفته  
می شود: بخوان!  
خالد می گوید: از آن حضرت پرسیدم: آن گاه انسان از آن چه در این کتاب است، باخبر می شود  
و آن ها را می شناسد؟  
امام صادق علیه السلام پاسخ داد:

إن الله يذكره، فما من لحظة، ولا كلمة، ولا نقل قدم، ولا شئ فعله إلا ذكره، كأنه فعله تلك الساعة، فذلك قالوا: ربا  
وَيَلْتَأْ مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا؛<sup>۷۵، ۷۶</sup>

۷۳. امالی شیخ صدوق: ۶۴۹ مجلس هشتاد و دوم، حدیث ۱۱، بحار الانوار: ۷۷ / ۳۱۹، حدیث ۱۲، وسائل الشیعه: ۱ / ۴۰۲، حدیث ۱.

۷۴. امالی شیخ مفید: ۲، مجلس اول، سید بن طاووس این حدیث را در کتاب محاسبه النفس صفحه ۱۵ آورده، در این منبع آمده:

فی صحیفه أعماله فاعملوا...

هم چنین این روایت در فلاح السائل فصل ۲۲، صفحه ۲۱۵؛ با اندک تفاوتی نقل شده است، بحار الانوار: ۵ / ۳۲۸ و ۳۲۹ حدیث ۲۵.

۷۵. سوره كهف: آیه ۴۹.

۷۶. تفسیر العیاشی: ۲ / ۳۲۸، حدیث ۳۴، بحار الانوار: ۷ / ۳۱۵ حدیث ۱۰.

خداوند به یادش می آورد. هیچ لحظه، هیچ کلمه و هیچ جابجایی گام و هیچ کاری نیست که او انجام داده باشد، مگر این که به یادش می آورد؛ گویا که همان لحظه آن ها را انجام داده است. به همین دلیل است که انسان ها می گویند: «ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ کار کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته مگر این که آن را به حساب آورده است».

علی بن ابراهیم قمی رحمه الله نیز درباره آیه (وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ)؛<sup>۷۷</sup> «و در آن هنگام که نامه های اعمال گشوده شود»، می گوید: منظور از صُحُف، صحیفه اعمال است.<sup>۷۸</sup> آخرین روایتی که در این زمینه نقل می کنیم روایتی است که از پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَقْل شده است. روزی آن حضرت فرمود:

يَحْشُرُ النَّاسَ حِفَاةَ عِرَاةٍ؛

مردم در روز قیامت پابرهنه و عریان محشور می شوند.

ام سلمه پرسید: زنان چگونه محشور می شوند؟

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ پاسخ داد:

شغَلُ النَّاسِ يَا أُمَّ سَلْمَةَ!

ای ام سلمه! مردم سرگرم هستند.

ام سلمه پرسید: چه چیزی مردم را سرگرم می کند؟

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ پاسخ فرمود:

نَشْرُ الصُّحُفِ، وَفِيهَا مِثَاقِيلُ الذَّرِّ وَمِثَاقِيلُ الْخُرْدَلِ؛<sup>۷۹</sup>

گشوده شدن نامه اعمال که در آن، ذره های بسیار ریز (یعنی حتی کوچک ترین اعمال) و ذره های خردل (کنایه از کوچکی عمل) نیز ثبت شده است.

افزون بر این روایات، احادیث دیگری نیز در منابع آمده که برخی آن ها در بحث بعدی ذکر می شوند.<sup>۸۰</sup>

۷۷. سوره تکویر، آیه ۱۰.

۷۸. تفسیر القمّی: ۲ / ۴۰۷، بحار الانوار: ۷ / ۱۰۸ و ۳۱۲.

۷۹. تفسیر جوامع الجامع: ۴ / ۴۴۹ و ۶۱۹.

۸۰. برای نمونه سید بحرانی روایتی را از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ چنین نقل می کند:

الْكَتَبُ كُلُّهَا تَحْتَ الْعَرْشِ، فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ بَعَثَ اللهُ تَعَالَى رِيحاً تُطَيِّرُهَا بِالْإِيمَانِ وَالشَّمَانِ، أَوَّلَ حَرْفِهِ: (اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا)؛ (سوره اسراء: آیه ۱۴).

## سخنان علما

علما و دانشمندان نیز درباره گشوده شدن نامه اعمال اظهار نظر کرده اند که به چند نمونه اشاره می شود.

### شیخ صدوق رحمه الله

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب *الاعتقادات* می نویسد:

اعتقاد و باور ما درباره میزان و حساب این است که این دو، امور حقی هستند که متولی پاره ای از آن ها خداوند متعال و متولی پاره ای دیگر نیز حجت های خداوند علیهم السلام هستند. حساب پیامبران، رسولان و امامان علیهم السلام را خداوند به عهده دارد (و میزان آن ها نیز به دست خداست). هر پیامبر نیز متولی حساب اوصیای خودش خواهد بود. اوصیا نیز متولی حساب و کتاب امت آن پیامبر هستند.

خداوند تبارک و تعالی بر پیامبران و رسولان گواه و شاهد است. پیامبران و رسولان نیز بر اوصیا گواه هستند. ائمه نیز بر مردم گواه و شاهدند... .

خداوند متعال همه بندگان را بر اساس محاسبه اجمالی اعمالشان، یکجا مورد يك خطاب خویش قرار می دهد؛ به طوری که هر فرد آن چه درخور اوست قضیه خود را از خطاب خداوند می شنود، به گونه ای که دیگران آن را نمی شنوند. او گمان می کند، فقط خودش مخاطب خداوند بوده است و خداوند در آن سخن، با فرد دیگری غیر از او سخن نگفته است. کار حساب خداوند پس از نیم ساعت طبق مقیاس زمان دنیایی به پایان می رسد.

آن گاه خداوند متعال برای هر انسانی نامه ای را آشکار می سازد که آن را در برابر خود، گشوده می بیند (این همان نامه اعمال اوست) که درباره همه اعمالش سخن می گوید و هیچ عمل کوچک یا بزرگی را از قلم نمی اندازد.

آن گاه خداوند، او را حساب گر و داور خویش قرار می دهد. به او گفته می شود:

(اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا)<sup>۸۱</sup>

کتابت را بخوان، کافی است که امروز، خود حساب گر خویش باشی...<sup>۸۲</sup>

---

همه نامه اعمال در زیر عرش قرار دارد، آن گاه که روز رستاخیز فرارسد، خداوند متعال بادی را بر می انگیزد و نامه های اعمال گشوده خواهد شد و نخستین حرف آن این آیه است: «اعمالت را بخوان که تو خود تنها برای رسیدگی به حساب خویش کافی هستی».

ر.ک: کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد: ۳۰۲.

۸۱. سوره اسراء، آیه ۱۴.

شیخ طوسی رحمه الله

شیخ طوسی رحمه الله در این باره می نویسد:

... خداوند تعالی خبر داده است که در روز قیامت برای انسان مکلف، نامه ای بیرون می آورد که در آن، همه اعمالش — آن چه که سزاوار پاداش یا مجازات است — ثبت شده است... .  
خداوند در آیه شریفه می فرماید:

(اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا)<sup>۸۳</sup>;

کتابت را بخوان، کافی است که امروز، خود حساب گر خویش باشی...<sup>۸۴</sup>.

یعنی ای انسان! امروز خودت برای داوری درباره اعمالت و اعمالی که سزاوار پاداش یا معصیت هایی که سزاوار مجازات هستند، کافی هستی. زیرا همانی که تو را حساب گر بر خودت قرار داده، همان تو را منصف قرار داده است تا حساب رسی اعمال خودت را انجام دهی.<sup>۸۵</sup>

خواجه نصیر الدین طوسی رحمه الله

محقق طوسی رحمه الله نیز می نویسد:

وقوع بقیه امور سمعی (امور و حیانی = نقلی) مانند میزان، صراط و حساب و «گشوده شدن نامه اعمال» ممکن است. ثبوت این امور نیز از راه دلیل نقلی ثابت شده و به همین دلیل واجب است که انسان آن ها را بپذیرد و به آن ها باور داشته باشد.<sup>۸۶</sup>

شیخ طبرسی رحمه الله

شیخ طبرسی رحمه الله نیز درباره نامه اعمال در روز قیامت می نویسد:

از آن جا که خداوند سبحان از روز قیامت سخن گفته است، به دنبال آن کیفیت آن را بیان می کند:

(وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ)<sup>۸۷</sup>;

---

۸۲ . الإعتقادات فی دین الإمامیة: ۷۳ و ۷۵، باب الإعتقاد فی الحساب والمیزان، بحار الانوار: ۷ / ۲۵۱، باب المیزان، حدیث

۱۰.

۸۳ . سوره اسراء، آیه ۱۴.

۸۴ . الإعتقادات فی دین الإمامیة: ۷۳ و ۷۵، باب الإعتقاد فی الحساب والمیزان، بحار الانوار: ۷ / ۲۵۱، باب المیزان، حدیث

۱۰.

۸۵ . التبیان فی تفسیر القرآن: ۶ / ۴۵۵ و ۴۵۷.

۸۶ . کشف المراد فی شرح تجرید الإعتقاد: ۵۷۵، مسأله ۱۴.

و اعمال هر انسانی را بر گردنش آویخته ایم.

یعنی این که عمل هر انسانی را — خواه نیک و خواه بد — به همراهش و بر گردنش آویخته ایم. در روایتی آمده: ابن عباس، مجاهد و قتاده گفته اند:

منظور آیه این است که نامه اعمال را مانند طوق در گردن انسان آویزان می کنیم؛ به طوری که هیچ گاه از او جدا نمی شود.

دلیل این که در این آیه از عمل به «طائر» تعبیر شده این است که عرب زبانان این گونه به کار می برند. برای مثال می گویند: «جری طائرہ بکذا»؛ یعنی عملش او را به فلان جهت کشانید.

هم چنان که خداوند در جای دیگری از قرآن کریم می فرماید:

﴿قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ...﴾<sup>۸۸</sup>

گفتند شومی شما با خودتان است...

خداوند متعال در ادامه همان آیه می فرماید:

﴿وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا﴾<sup>۸۹</sup>

و روز قیامت کتابی برای او بیرون می آوریم که آن را در برابر خود گشوده می بیند.

یعنی روز قیامت آن اعمالی را که فرشتگان گماشته بر انسان (کرام الکاتبین) نوشته اند، برایش بیرون می آوریم.

«يَلْقَاهُ»؛ یعنی او آن را می بیند.

«منشوراً»؛ یعنی در پیش روی خود آن را گشوده می بیند و به او عرضه می شود تا آن را بخواند

و از محتوای آن باخبر گردد...

«أَقْرَأُ كِتَابَكَ» در این آیه، [قبل از این جمله] عبارت «به او گفته می شود» حذف شده است؛ یعنی

به او گفته می شود که نامه ات را بخوان.

قتاده می گوید: افرادی که در دنیا خواندن بلد نبوده اند، در آن دنیا می توانند نامه اعمالشان را

بخوانند.

در این زمینه روایتی را خالد بن نجیح از امام صادق علیه السلام نقل می کند.<sup>۹۰</sup>

شیخ طبرسی رحمه الله در ادامه، در تفسیر آیه «كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا»<sup>۹۱</sup> می نویسد:

۸۷. سوره اسراء، آیه ۱۳.

۸۸. سوره یس، آیه ۱۹.

۸۹. سوره اسراء: آیه ۱۳.

۹۰. ر.ک: صفحه ۵۴ از همین کتاب.

۹۱. سوره اسراء، آیه ۱۴.



حسیب؛ یعنی حساب رس. خداوند به این دلیل انسان را حساب رس خویش قرار داده است که وقتی او اعمال خودش را در روز قیامت می یابد که همه مکتوب شده و ثبت گردیده است و سزای عمل خویش را نیز می بیند که با عدالت تعیین شده و از ثواب او چیزی کاسته نشده و بیش از عقابی که سزاوارش هست، چیزی برایش نوشته نشده، در آن هنگام او اذعان می کند و با خضوع و تضرع اعتراف می نماید، دیگر برای او بهانه و انکاری نیست و اهل محشر می بینند که به او ستم نمی شود...<sup>۹۲</sup>.

#### علامه حلی رحمه الله

علامه حلی رحمه الله در این باره می گوید:

حالت های قیامت؛ یعنی میزان، صراط، حساب و گشوده شدن نامه اعمال، همه اموری ممکن هستند. خداوند تبارک و تعالی از وقوع آن خبر داده است. بنابراین واجب است که انسان به آن ها باور داشته باشد.<sup>۹۳</sup>

وی هم چنین در اثر دیگر خود می نویسد:

باید به هر آن چه که پیامبر صلی الله علیه و آله آورده، اقرار نمود. از جمله: صراط، میزان، سخن گفتن اعضا و «گشوده شدن نامه اعمال»؛ زیرا امکان آن ها وجود دارد و فردی راستگو از آن ها خبر داده است. بنابراین، واجب است که انسان به وجود آن ها اذعان کند.<sup>۹۴</sup>

#### شهید ثانی رحمه الله

شهید ثانی، از دیگر عالمان نامدار جهان اسلام در این باره می نویسد:

عذاب قبر که از آن به خداوند پناه می بریم — و مسائل مربوط به معاد که آن ها را نیز از راه شنیدن و نقل می دانیم، مانند حساب، صراط، میزان، گشوده شدن پرونده اعمال، همیشگی بودن مجازات کافران در آتش دوزخ و همیشگی بودن نعمت های مؤمنان در بهشت، همه و همه را بی تردید باید به طور اجمالی باور داشت و به آن ها اذعان نمود؛ زیرا همه امت اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند و ادله نقلی متواتری در این باره به ما رسیده است. بنابراین منکر این امور، از گستره ایمان، خارج است.<sup>۹۵</sup>

۹۲. مجمع البیان: ۶ / ۵۲۱ و ۵۲۲.

۹۳. کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد: ص ۵۷۵.

۹۴. النافع یوم الحشر فی شرح باب الحادی عشر: ص ۱۲۱، فصل هفتم در معاد.

۹۵. حقائق الإیمان: ۱۶۴.

### فاضل مقداد سیوری رحمه الله

دانشمند دیگر اسلامی فاضل مقداد سیوری در این باره می نویسد:  
وقتی نبوت و عصمت پیامبر ما حضرت محمد صلی الله علیه و آله ثابت شد، به واقع برای ما ثابت شده که ایشان در خبرهایی که می دهند — چه در زمان زندگی خویش و چه پس از خودش و حتی خبرهایی که پیش از ایشان رخ داده — صادق و راستگو هستند. از این امور است حالت های مرگ و پس از مرگ که عبارتند از عذاب قبر، صراط، میزان، حساب، سخن گفتن اعضای بدن و گشوده شدن نامه اعمال.

واجب است که به همه این امور اذعان کنیم و آن ها را باور داشته باشیم، زیرا این ها امور محالی نیستند، بلکه امکان وقوع آن ها نیز هست. وقوع آن ها از سوی فردی راستگو نیز خبر داده شده است. پس این ها امور حقی هستند.<sup>۹۶</sup>

### فیض کاشانی رحمه الله

فیض کاشانی رحمه الله عالم دیگری از دانشمندان اسلامی در این باره می نویسد:  
حساب همان جمع و تفریق اندازه ها و اعداد و خبر دادن از حاصل آن هاست؛ خداوند متعال قادر است که در يك لحظه حاصل حسنات و سیئات همه بندگان را به آن ها نشان دهد. چرا که او «اسرع الحاسبین، سریع ترین حساب رسان» است.  
هدف خداوند از این کار، فقط نشان دادن فضل خود به هنگام بخشش و عفو و یا عدالت خویش به هنگام مجازات است.

خداوند تبارک و تعالی همه بندگان را بر اساس محاسبه اجمالی اعمالشان، یکجا مورد يك خطاب خویش قرار می دهد. به طوری که هر فرد آن چه از این خطاب در مورد حساب رسی اعمال خود می شنود گمان می کند فقط خودش مخاطب خداوند بوده است و خداوند در آن سخن خود، با فرد دیگری غیر از او سخن نگفته است.

خطاب خداوند به هر فرد، او را از خطاب به دیگران باز نمی دارد و مشغول نمی کند. کار حساب خداوند پس از يك ساعت (طبق مقیاس زمان) دنیایی به پایان می رسد.

آن گاه خداوند برای هر انسانی نوشته و نامه ای را آشکار می کند که انسان آن را در برابر خود، گشوده می بیند. (این همان نامه اعمال اوست) که درباره همه اعمالش سخن می گوید و هیچ عمل کوچک یا بزرگی را از قلم نمی اندازد. آن گاه خداوند، او را حساب گر و داور خودش قرار

۹۶ . النافع یوم الحشر فی شرح باب الحادی عشر، ۱۲۲، فصل هفتم در معاد.

می دهد. به او گفته می شود: (أَقْرَأُ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا...)<sup>۹۷</sup>; «نامه ات را بخوان، کافی است که امروز، خود حساب گر خویش باشی...»

سپس نامه ها گشوده می شوند و دیدگان به آن ها خیره می شود که آیا در دست راست یا در دست چپ قرار می گیرد؟

قرآن کریم چگونگی قرار گرفتن نامه ها را این گونه بیان می کند:

(فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ مَقْرُونًا كِتَابِيَّةً)<sup>۹۸</sup>;

اما کسی که نامه اعمالش را به دست راستش دهند (از شدت شادی) فریاد می زند که نامه اعمال مرا بگیرید و بخوانید.

در آیه دیگری می فرماید:

(وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَّةً...)<sup>۹۹-۱۰۰</sup>

اما کسی که نامه اعمالش را به دست چپش بدهند می گوید: ای کاش هرگز نامه اعمالم را به من نمی دادند...

**علامه مجلسی رحمه الله**

علامه مجلسی رحمه الله در کتاب *ارزشمند بحار الانوار* پیرامون حساب و کیفیت آن عباراتی دارد که خلاصه آن چنین است:

«باید به حساب، سؤال و حکم درباره مظلوم بندگان، به طور اجمال اعتقاد داشته باشیم؛ زیرا این امر در آیات و روایات بسیاری وارد شده است.»<sup>۱۰۱</sup>

سپس به نقل سخنان شیخ صدوق رحمه الله می پردازد که پیش تر نقل شد.

علامه مجلسی رحمه الله در ادامه به آیاتی از قرآن می پردازد، آن جا که می فرماید:

(وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ)<sup>۱۰۲</sup>;

و در آن هنگام که نامه های اعمال گشوده شود.

وی در تفسیر این آیه عبارات علی بن ابراهیم قمی رحمه الله و نیز روایت نقل شده در تفسیر عیاشی

از امام صادق علیه السلام<sup>۱۰۳</sup> را نقل می کند.<sup>۱۰۴</sup>

۹۷. سوره اسراء، آیه ۱۴.

۹۸. سوره حاقه: آیه ۱۹.

۹۹. همان: آیه ۲۵.

۱۰۰. المحجة البيضاء: ۱ / ۲۵۱ و ۲۵۲.

۱۰۱. بحار الانوار: ۷ / ۲۵۰ و ۲۵۱.

۱۰۲. سوره تکویر: آیه ۱۰.

۱۰۳. عبارت تفسیر القمی و روایت فوق، در صفحه؟؟؟ ذکر شده است.

### شیخ صفی الدین طریحی رحمه الله

شیخ صفی الدین طریحی رحمه الله در این باره می نویسد:

«واجب است به آن چه پیامبر صلی الله علیه وآله خبر داده و به تواتر به ما رسیده، و از ضروری های دین شناخته شده، ایمان و اقرار داشته باشیم. از جمله عذاب قبر، صراط، میزان، حساب، سخن گفتن اعضا و جوارح، گشوده شدن نامه ها و حالت های روز قیامت است. زیرا این امور ممکن هستند و انسان صادقی نیز از آن ها خبر داده؛ بنابراین واجب است به وقوع این امور اعتراف کنیم.»<sup>۱۰۵</sup>

### سید عبدالله شبر رحمه الله

سید عبدالله شبر رحمه الله در این باره به تفسیر آیات مورد نظر می پردازد و می نویسد:

(وَكُلِّ إِنْسَانًا لَّزِمْنَاهُ طَائِرُهُ...)<sup>۱۰۶</sup>

و اعمال هر انسانی را بر گردنش آویخته ایم... .

واژه «طائره»؛ یعنی اعمال خیر و شرّ او را، (فی عُنُقِهِ؛ یعنی به صورت طوق در گردن اوست و ملازم و همراهش می باشد).

(وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا).<sup>۱۰۷</sup>

و روز قیامت کتابی برای او بیرون می آوریم.

کتاب، یعنی صحیفه و پرونده اعمالش (يَلْقَاهُ مَنشُورًا). به او گفته می شود:

(اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا)<sup>۱۰۸</sup>

کتابت را بخوان، کافی است که امروز، خود حساب گر خویش باشی.

واژه «حسب»؛ یعنی حساب رس، همان کس که تو را حساب رس خودت قرار داده، تو را

منصف کرده است. (که نمی توانی برخلاف حق در حق خودت حساب رسی کنی).<sup>۱۰۹</sup>

---

۱۰۴. بحار الانوار: ۷ / ۳۱۲، حدیث ۲.

۱۰۵. مطارح النظر فی شرح الباب الحادی عشر: ۲۸۷.

۱۰۶. سوره اسراء: آیه ۱۳.

۱۰۷. همان.

۱۰۸. همان: آیه ۱۴.

۱۰۹. تفسیر القرآن الکریم: ۲۸۰.

یادآوری می شود که باید به فرشتگان موکل — که «کرام الکاتبین؛ فرشتگانی که اعمال خوب و بد را ثبت می کنند» — هستند، نیز ایمان داشته باشیم؛ زیرا این موضوع نیز در قرآن کریم و روایات متواتر آمده است و هم چنین از ضروری های اعتقادی دین مبین اسلام است. شایان ذکر است که محدثان بر پایه روایاتی که از معصومین علیهم السلام رسیده، درباره کیفیت و چگونگی حساب رسی و متولی حساب رسی و نیز اموری که از انسان ها پرسیده می شود و ... سخن به میان آورده و بحث های مبسوطی را در این زمینه ارائه داده اند.<sup>۱۱۰</sup>

بخش سوم

سخن گفتن اعضا

### اعتراف اعضا

از مسائل اعتقادی در رابطه با جهان آخرت که واجب است انسان به آن ایمان داشته باشد، به سخن درآوردن اعضا و جوارح انسان ها از سوی خداوند متعال است تا این اعضا به اعمال و حرکاتشان در دنیا گواهی دهند.

در ادامه خواهیم آورد که علاوه بر اعضای بدن و صحیفه اعمال که از همه اعمال انسان در این دنیا پرده بر می دارند، شاهدان دیگری نیز هستند که بر انسان گواهی می دهند. این موضوع اعتقادی نیز هم چون دو موضوع پیشین، در قرآن کریم و شمار زیادی از روایات نقل شده از پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان پاک ایشان علیهم السلام مورد تأکید قرار گرفته است. هم چنان که علمای جهان اسلام نیز به این موضوع پرداخته و آن را تبیین کرده اند. در این بخش نیز ابتدا آیات قرآن کریم، سپس روایات معصومین علیهم السلام و در پایان، سخنان علما در این باره را نقل می کنیم.

### دیدگاه قرآن

از جمله آیاتی که بیان می کنند در روز قیامت اعضا و جوارح انسان به زبان می آیند و اعمال انسان را بیان می کنند، این آیه ها هستند که می فرماید:

(وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ \* حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ \* وَقَالُوا لِمَ لُجُودُهُمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ \* وَمَا كُنْتُمْ تَسْتُبْرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ).<sup>۱۱۱</sup>

به خاطر بیاورید روزی را که دشمنان خدا را جمع کرده به سوی دوزخ می برند، و صفوف پیشین را نگه می دارند (تا صف های بعد به آن ها ملحق شوند). وقتی به دوزخ می رسند، گوش ها و چشم ها و پوست های تنشان به آن چه انجام می دادند گواهی می دهند. آن ها به پوست های تنشان می گویند: «چرا بر ضد ما گواهی دادید؟!» آن ها جواب می دهند: «همان خدایی که هر موجودی را به سخن درآورده و شما را نخستین بار آفرید، ما را گویا ساخته؛ و بازگشتتان به سوی اوست. اگر شما گناهانتان را مخفی می کردید نه به خاطر این بود که از شهادت گوش و چشم ها و پوست های تنتان بیم داشتید، بلکه شما گمان می کردید که خداوند بسیاری از اعمالی را که انجام می دهید نمی داند.

در آیه های دیگری آمده است:

(يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ \* يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ)؛<sup>۱۱۲</sup>

در آن روز زبان ها و دست ها و پاهایشان بر ضد آن ها به اعمالی که مرتکب می شدند گواهی می دهند. آن روز، خداوند جزای واقعی آنان را بی کم و کاست می دهد و می داند که خداوند حق آشکار است.

در آیه دیگری می خوانیم:

(الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ)؛<sup>۱۱۳</sup>

امروز بر دهانشان مهر می نهیم، و دست هایشان با ما سخن می گویند و پاهایشان کارهایی را که انجام می دادند شهادت می دهند.

در آیه دیگری می فرماید:

(إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا)؛<sup>۱۱۴</sup>

همانا گوش و چشم و دل از آن ها درباره اعمالتان پرسیده خواهد شد.

#### دیدگاه روایات

روایات بیان کننده این موضوع نیز فراوان هستند که در زیر برخی از آن ها را نقل می کنیم:  
در روایتی حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید:

۱۱۲ . سوره نور: آیه های ۲۴ و ۲۵.

۱۱۳ . سوره یس: آیه ۶۵.

۱۱۴ . سوره اسراء: آیه ۳۶.



عباد الله، إحدروا يوماً تفحص فيه الأعمال، ويكثر فيه الزلزال، وتشيب فيه الأطفال.  
إعلموا عباد الله، أنّ عليكم رسداً من أنفسكم، وعيوناً من جوارحكم، وحفاظ صدق يحفظون أعمالكم،  
وعدد أنفاسكم، لا تستركم منهم ظلمة ليل داج، ولا يكتكم منهم باب ذو رتاج، وإنّ غداً من اليوم  
قريب؛<sup>۱۱۵</sup>

بندگان خدا! از روزی بترسید که در آن روز اعمال مورد حساب رسی قرار می گیرد،  
روزی که پر از تشویش و اضطراب است، کودکان در آن پیر گردند.  
بندگان خدا! بدانید که خداوند از شما بر شما نگاهبانانی قرارداده، و از اندام های شما  
مراقبانی گمارده، و حافظان راستگویی که اعمال شما و تعداد نفس هایتان را ثبت و  
ضبط می کنند. نه سیاهی شب تار شما را از آنان می پوشاند، و نه درب بزرگی که  
محکم بسته شده، شما را از آنان پنهان می کند. به راستی فردا (روز مرگ) به امروز  
نزدیک است.

حضرتش در سخن دیگری می فرماید:

إنّ الله سبحانه وتعالى لا يخفي عليه ما العباد مقترفون في ليلهم ونهارهم، لطف به خيراً، وأحاط به علماً،  
أعضاؤكم شهود، وجوارحكم جنود، وضمائركم عيون، وخلواتكم عيان؛<sup>۱۱۶</sup>  
همانا بر خداوند سبحان پنهان نیست آن چه را که بندگان در شب و روز انجام می دهند،  
که به دقت بر اعمال آن ها آگاه است، و با علم خویش بر آن ها احاطه دارد، اعضای  
شما، گواهان او، اندام شما سپاهیان او، روان و جانتان، جاسوسان او هستند و  
خلوت های شما بر او آشکار است.

امام صادق علیه السلام در خطبه ای برای توصیف بیم های مربوط به روز قیامت، به نقل از جدّ  
بزرگوار خویش حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

ختم على الأفواه فلا تكلم، وقد تكلمت الأيدي، وشهدت الأرجل، ونطقت الجلود بما عملوا، فلا  
يكتمون الله حديثاً؛<sup>۱۱۷</sup>

آن هنگام بر دهان ها مهر زده می شود، پس دهان ها سخن نمی گویند، بلکه دستان به  
سخن می آیند و پاها شهادت می دهند، پوست انسان ها به سخن می آید که چه کارهایی  
انجام داده اند، بنابراین سخنی را بر خداوند پوشیده نمی گذارند.

۱۱۵ . نهج البلاغة: خطبه ۱۵۷، بحار الانوار: ۷۴ / ۴۳۱.

۱۱۶ . همان، خطبه ۱۹۹، بحار الانوار: ۷۰ / ۳۶۴، حدیث ۹۶. قابل ذکر است که عبارت «أعضاؤكم شهود وجوارحكم جنود»  
به این صورت هم آمده است: «أعضاؤكم شهوده وجوارحكم جنوده».

۱۱۷ . بحار الانوار: ۷ / ۳۱۳، حدیث ۶، به نقل از تفسیر العیاشی: ۱ / ۲۴۲، حدیث ۱۳۳.

امام باقر علیه السلام در حدیثی طولانی می فرماید:

ولیت تشهد الجوارح علی مؤمن، إنما تشهد علی من حقت علیه كلمة العذاب. فأما المؤمن فيعطى كتابه بيمينه...<sup>۱۱۸</sup>

اعضای بدن مؤمن بر ضد او شهادت نمی دهند. بلکه شهادت دادن اعضا بر ضد کسانی است که سزاوار عذاب هستند. اما نامه اعمال مؤمن، به دست راستش داده می شود... در روایت دیگری معاویة بن وهب می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: إذا تاب العبد توبةً نصوحاً أحبّه الله فستر عليه في الدنيا والآخرة؛ اگر بنده گنهکار توبه نصوح<sup>۱۱۹</sup> کند. خداوند او را دوست می دارد، آن گاه در دنیا و جهان آخرت اعمال او را پوشیده می دارد. پرسیدم: چگونه گناهانش را می پوشاند؟ حضرت فرمود:

ينسي ملكيه ما كتب عليه من الذنوب، ويوحى إلى جوارحه: أكتمي عليه ذنوبه. ويوحى إلى بقاع الأرض: أكتمي ما كان يعمل عليك من الذنوب. فيلقى الله حين يلقاه، وليس شيء يشهد عليه بشيء من الذنوب؛<sup>۱۲۰</sup> خداوند گناهانی را که دو فرشته برایش نوشته اند، از یاد آن ها می برد. و به جوارح او الهام می کند: گناهانش را بر او پوشیده دارید. به زمین هم الهام می کند: آن گناهانی را که او مرتکب می شده، پنهان دارید. پس هنگامی که خداوند را ملاقات می کند، چیزی نیست تا بخواهد علیه او به گناهانش گواهی بدهد.

علی ابن ابراهیم قمی رحمه الله در تفسیر خود در ذیل آیه (الْيَوْمَ نَخِمْ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ)<sup>۱۲۱</sup> «امروز بر دهانشان مهر می نهیم، و دست هایشان با ما سخن می گویند و پاهایشان کارهایی را که انجام می دادند، شهادت می دهند.» چنین روایت می کند:

۱۱۸ . الکافی: ۲ / ۳۲، بحار الانوار: ۷ / ۳۱۸، حدیث ۱۴.

۱۱۹ . معنای توبه نصوح را در جلد سوم مجموعه سه جلدی «باورهایی از معاد» بیان خواهیم کرد.

۱۲۰ . الکافی: ۲ / ۴۳۰ - ۴۳۱، حدیث ۱، وسائل الشیعة: ۱۶ / ۷۱، حدیث ۱، بحار الانوار: ۷ / ۳۱۷ - ۳۱۸، حدیث ۱۲،

در شرح اصول الکافی: ۱۰ / ۱۶۸ اثر مولی صالح مازندرانی آمده:

منظور از کتمان گناهان از سوی جوارح و زمین، دو احتمال وجود دارد:

۱ . به معنای فراموش کردن گناه از سوی زمین و جوارح است، مانند آن چه درباره دو فرشته رخ می دهد.

۲ . اصلاً زمین و جوارح، به این گناهان شهادت نمی دهند.

البته احتمال اول قوی تر و آشکارتر است...

إذا جمع الله الخلق يوم القيامة، دفع إلى كل إنسان كتابه فينظرون فيه، فينكرون أنهم عملوا من ذلك شيئاً، فيشهد عليهم الملائكة.

فيقولون: يا رب! ملائكتك يشهدون لك.

ثم يحلفون أنهم لم يعملوا من ذلك شيئاً، وهو قوله: (يَوْمَ يَعْتُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ).<sup>۱۲۲</sup>

فإذا فعلوا ذلك ختم على ألسنتهم وينطق جوارحهم بما كانوا يكسبون؛<sup>۱۲۳</sup>

وقتی خداوند در روز قیامت، بندگان را جمع می کند، به هر انسانی نامه عملش را می دهد و آن ها در نامه خویش می نگرند. سپس انکار می کنند که چیزی از این اعمال را انجام داده باشند. آن گاه فرشتگان علیه انسان ها گواهی می دهند.

انسان ها می گویند: ای پروردگار! فرشتگان تو برای تو گواهی می دهند.

سپس سوگند یاد می کنند که هیچ يك از این کارهای ثبت شده در نامه اعمال را انجام نداده اند.

این معنای آیه ای است که می فرماید: «روزی را که خداوند همه آن ها را برمی انگیزد، آن ها برای خدا نیز سوگند (دروغ) یاد می کنند همان گونه که (امروز) برای شما یاد می کنند».

در این هنگام است که خداوند بر زبان هایشان مهر می زند و جوارح آنان از اعمالشان سخن می گویند.

## دیدگاه عالمان

شیخ صدوق رحمه الله

شیخ صدوق رحمه الله در این باره می نویسد:

خداوند تبارك و تعالی بر دهان هایشان مهر می زند و دستانشان، پاهایشان و همه اعضای بدنشان بر آن چه پنهان می کرده اند، گواهی می دهند.

خداوند متعال در قرآن کریم در این باره می فرماید:

۱۲۱. سوره یس: آیه ۶۵.

۱۲۲. سوره مجادله: آیه ۱۸.

۱۲۳. تفسیر القمی: ۲ / ۲۱۶، بحار الانوار: ۷ / ۳۱۲ حدیث ۳.

وَقَالُوا لِيُجْلِدُوهُمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ\* وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَوُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ<sup>۱۲۴</sup>»؛<sup>۱۲۵</sup>

آن‌ها به پوست‌های تشنه‌شان می‌گویند: «چرا بر ضد ما گواهی دادید؟!» آن‌ها پاسخ می‌دهند: «همان‌خدایی که هر موجودی را به نطق درآورده ما را گویا ساخته و او شما را نخستین بار آفرید، و بازگشتتان به سوی اوست. اگر شما گناهانتان را مخفی می‌کردید نه به خاطر این بود که از شهادت گوش‌ها و چشم‌ها و پوست‌های تشنه‌تان بیم داشتید، بلکه شما گمان می‌کردید که خداوند بسیاری از اعمالی را که انجام می‌دهید، نمی‌داند.

علامه مجلسی رحمه الله

علامه مجلسی رحمه الله پس از بیان دیدگاه‌های مختلف درباره معنای شهادت دادن جوارح — که در ادامه خواهیم آورد — می‌نویسد:

احتیاط و بهتر این است که به طور اجمالی به آن ایمان داشته باشیم.<sup>۱۲۶</sup>

سید عبدالله شبّر رحمه الله

سید عبدالله شبّر رحمه الله نیز در این باره مانند همین عبارت را بیان کرده است.<sup>۱۲۷</sup> از سوی دیگر، عالمان بسیاری تصریح کرده‌اند که اقرار به این موضوع و باور داشتن آن، یک امر واجب است؛ از جمله علامه حلی، فاضل مقداد سیوری، شیخ طریحی شارح باب الحادی عشر رحمهم الله. ما در صفحه‌های پیشین دیدگاه این بزرگان دین را نقل کرده‌ایم.

چگونگی گواهی دادن اعضا و جوارح

درباره کیفیت گواهی دادن اعضای بدن به اعمال صاحب آن بدن در روز قیامت، دیدگاه‌های گوناگونی بیان شده است که در این جا آن‌ها را از دیدگان خویش می‌گذرانیم:

۱۲۴. سوره فصلت: آیات ۲۱ و ۲۲.

۱۲۵. الاعتقادات فی دین الإمامیة: ۷۵، باب اعتقاد به حساب و میزان.

۱۲۶. بحار الأنوار: ۷ / ۲۵۳.

۱۲۷. تفسیر القرآن الکریم: ۱۷۰.

۱. خداوند تعالی، اعضای بدن انسان را به شکلی در جهان آخرت بنا می کند که بتوانند سخن بگویند، از این رو خود اعضای بدن هستند که به زبان می آیند؛ هم چنان که زبان در دنیا سخن می گوید.

۲. خداوند تعالی در اعضای بدن انسان کلامی ایجاد می کند که این کلام دربردارنده شهادت دادن آن اعضا به اعمال فرد باشد.

بر طبق این قول در واقع و در حقیقت خداوند متعال است که سخن می گوید و متکلم است، نه عضو بدن انسان و این که گفته می شود: اعضای بدن شهادت می دهند، از روی مجاز است.

۳. خداوند تعالی در اعضای انسان، علامت ها و حالت هایی ایجاد می کند که گویا زبان گشوده و شهادت می دهند.

این علامت ها و حالت ها به گونه ای هستند که تفاوت میان اعمال صالح و نادرست را نشان می دهند. به این حالت، به طور مجاز شهادت و گواهی دادن بر اعضا، اطلاق شده است.

این سه دیدگاهی است که مفسران و محدثان درباره چگونگی شهادت دادن اعضای بدن، بیان کرده اند.<sup>۱۲۸</sup>

گفتنی است شهادت دادن آسمان، زمین و... نیز با این دیدگاه ها و مانند آن ها تفسیر شده است.

#### دیگر شاهدان عرصه قیامت

در روز قیامت، شاهدان دیگری نیز هستند که با توجه به اعمال انسان به نفع یا بر ضد او گواهی می دهند. در این زمینه هم در قرآن کریم و هم در روایات، از وجود این شاهدان سخن به میان آمده است. طبق قرآن و روایات، این شاهدان عبارتند از:

۱. رسول خدا صلی الله علیه وآله

خداوند متعال می فرماید:

(فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا)؛<sup>۱۲۹</sup>

حال آن ها چگونه است آن روزی که از هر امتی، شاهد و گواهی (بر اعمالشان)

می آوریم، و تو را نیز بر آنان گواه خواهیم آورد؟

علامه طبرسی رحمه الله در تفسیر این فرمایش خداوند متعال می نویسد:

۱۲۸. ر.ك: التبيين: ۹ / ۱۱۷ - ۱۱۹، مجمع البیان: ۹ / ۱۵ - ۱۷، بحار الانوار: ۷ / ۳۱۰.

۱۲۹. سوره نساء: آیه ۴۱.

یعنی اگر از هر امتی از امت‌ها، شاهد و گواهی بیاوریم و ای محمد! تو را نیز شاهد بر اینان (یعنی قوم خود) بیاوریم، حال امت‌ها چگونه خواهد بود؟ و در آن هنگام چه خواهند کرد؟  
معنای آیه مزبور این است که خداوند متعال در روز قیامت، هر پیامبری را به عنوان شاهد بر امت خویش قرار می‌دهد و هر پیامبری نیز بر اعمال نیک امت خویش و یا بر اعمال بد آنان گواهی می‌دهد. پیامبر ما نیز برای امت خویش، شاهد خواهد بود.<sup>۱۳۰</sup> امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

لكل زمان وأمة إمام، تبعث كل أمة مع إمامها؛<sup>۱۳۱</sup>

هر زمانه و هر امتی، امامی دارد که هر امت (در روز قیامت) به همراه امام خود برانگیخته می‌شود.

در روایت نقل شده از حضرت علی علیه السلام چنین آمده:

الشهداء هم الرسل عليهم السلام؛<sup>۱۳۲</sup>

شاهدان، همان رسولان الهی عليهم السلام هستند.

۲. انمه معصوم عليهم السلام

خداوند متعال در آیه ای از قرآن کریم می‌فرماید:

(وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ...)<sup>۱۳۳</sup>

و همان گونه شما را امت میانه ای قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید... .

ابوبصیر می‌گوید: امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

نحن الشهداء على الناس بما عندهم من الحلال والحرام وما ضيعوا منه؛<sup>۱۳۴</sup>

ما شاهدان بر مردم هستیم و گواهی می‌دهیم که حلال و حرام را چگونه رعایت کرده و کدام را تباه ساخته‌اند.

هم چنین ثمالی می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند:

نحن الشهداء على شيعتنا، وشيعتنا شهداء على الناس وبشهادة شيعتنا يجوزون ويعاقبون؛<sup>۱۳۵</sup>

ما بر شیعیان خود شاهد هستیم و شیعیان ما نیز بر مردم؛ به شهادت و گواهی شیعیان

ما، مردم پاداش می‌گیرند و یا مجازات می‌شوند.

۱۳۰. مجمع البیان: ۳ / ۸۹.

۱۳۱. بحار الأنوار: ۷ / ۳۰۷ - ۳۰۸.

۱۳۲. همان: ص ۳۱۳، حدیث ۵.

۱۳۳. سوره بقره: آیه ۱۴۳.

۱۳۴. بصائر الدرجات: ۱۰۲، حدیث ۱.

۱۳۵. بحار الأنوار: ۷ / ۳۲۵، حدیث ۱۹ به نقل از کتاب فضائل الشيعة: ۱۳، حدیث ۱۶.

### ۳. قرآن کریم

امام باقر علیه السلام به یکی از اصحاب خویش می فرماید:

يا سعد! تعلّموا القرآن فإنّ القرآن يأتي يوم القيامة في أحسن صورة نظر إليها الخلق والناس صفوف  
عشرون ومائة ألف صف... فيقول الله تبارك وتعالى: كيف رأيت عبادي؟  
فيقول: يا رب! منهم من صانني وحافظ عليّ ولم يضيع شيئاً.  
ومنهم من ضيعني واستخف بحقيّ وكذب بي وأنا حجتك على جميع خلقك.  
فيقول الله تبارك وتعالى: وعزّي وجلالي وارتفاع مكاني، لأثيبنّ عليك اليوم أحسن الثواب ولأعاقبنّ  
عليك اليوم أليم العقاب...<sup>۱۳۶</sup>

ای سعد! قرآن را فراگیرید؛ چراکه قرآن در روز قیامت با بهترین صورت ظاهر  
می شود و مردم در آن زمان در یکصد و بیست هزار صف، ایستاده اند. ... خداوند  
تبارک و تعالی در آن هنگام به قرآن می فرماید: بندگان مرا چگونه یافتی؟  
قرآن می گوید: ای پروردگار! برخی از آنان نگاهبان من بوده و مرا حفظ کردند. اینان  
چیزی (از حق من) را تباه نکردند.  
برخی دیگر حق مرا تباه کرده و ناچیز شمردند؛ اینان در حالی که من حجت تو بر همه  
آفریده هایت هستم، مرا تکذیب کردند.  
خداوند تبارک و تعالی می فرماید: به عزت و جلال و به جایگاه والای خود سوگند یاد  
می کنم که امروز به خاطر (نوع تعامل مردم با) تو بهترین پاداش و بدترین نوع عذاب  
و عقاب را بدهم.

### ۴. فرشتگان

درباره شهادت و گواهی فرشتگان الهی در روز رستاخیز در تفسیر علی بن ابراهیم قمی رحمه الله  
چنین آمده است:

وقتی خداوند همه بندگان را در روز قیامت در يك جا گردمی آورد، نامه هر فرد را به او  
می دهد. مردم به نامه اعمال خویش نگاه می کنند و آن را انکار می نمایند. و می گویند: هیچ يك از  
این کارها را ما مرتکب نشده ایم؛ آن گاه است که فرشتگانی که این اعمال را نگاشته اند، شهادت  
می دهند. امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید:

فيقولون لله: يا رب! هؤلاء ملائكتك يشهدون لك، ثم يجلفون بالله ما فعلوا من ذلك شيئاً، وهو قول الله: (يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ).<sup>۱۳۷</sup>

وهم الذين غصبوا أمير المؤمنين عليه السلام. فعند ذلك يختم الله على ألسنتهم...<sup>۱۳۸</sup>

به خداوند عرض می کنند: ای پروردگار! این فرشتگان تو هستند که برایت شهادت می دهند. سپس به خداوند سوگند یاد می کنند که این کارها را انجام نداده اند.

این همان فرمایش خداوند است که می فرماید: «(به خاطر بیایورید) روزی را که خدا همه آن ها را برمی انگیزد، آن ها برای خدا نیز سوگند (دروغ) یاد می کنند همان گونه که (امروز) برای شما سوگند می خورند».

اینان همان غاصبان حق حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام هستند. در این هنگام است که خداوند بر زبان آن ها مهر می زند...

#### ۵. بندگان مؤمن هر امت

در حدیث طولانی آمده که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

... وسائر عباد الله المؤمنین شهوده علیه أو له...<sup>۱۳۹</sup>

... و دیگر بندگان مؤمن خدا به نفع یا ضرر انسان گواهی می دهند...

#### ۶. اماکن

درباره شهادت اماکن به نفع یا ضرر انسان، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم در ضمن حدیثی طولانی می فرماید:

... والبقاع التي تشتمل عليه شهود ربّه له أو عليه...<sup>۱۴۰</sup>

... اماکنی که انسان در آن ها بوده شاهدان پروردگارش به نفع یا ضرر انسان خواهند بود...

#### ۷. روز و شب

درباره گواهی روز و شب در قیامت پیامبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم در ضمن حدیثی طولانی می فرماید:

۱۳۷. سوره مجادله، آیه ۱۸.

۱۳۸. تفسیر القمی: ۲ / ۲۶۴.

۱۳۹. بحار الانوار: ۷ / ۳۱۵ و ۳۱۶ حدیث ۱۱.

۱۴۰. همان.



... والليالي والأيام والشهور شهوده عليه أوله...؛<sup>۱۴۱</sup>

... شب و روز و سال ها نیز به نفع یا ضرر انسان گواهی می دهند...

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام می فرماید:

ما من يوم يأتي علي ابن آدم إلا قال ذلك اليوم: يا بن آدم! أنا يوم جديد وأنا عليك شهيد فافعل بي خيراً واعمل في خيراً أشهد لك يوم القيامة، فإنك لن تراني بعدها أبداً؛<sup>۱۴۲</sup>

روزی بر فرزند آدم نمی گذرد مگر این که آن روز به او می گوید: ای فرزند آدم! من روز جدیدی هستم و بر تو گواهم. پس به وسیله من نیکی کن و در من کار خیر انجام بده تا من در روز رستاخیز به نفع تو گواهی دهم؛ زیرا که پس از امروز هرگز مرا نخواهی دید.

هم چنین درباره گواهی شب در روز قیامت امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش این گونه نقل می فرماید:

الليل إذا أقبل نادى مناد بصوت يسمعه الخلائق إلا الثقلين: يا بن آدم! إني على ما في شهيد فخذ مني، فإني لو طلعت الشمس لم تزد في حسنة ولم تستعب في من سيئة. وكذلك يقول النهار إذا أدير الليل؛<sup>۱۴۳</sup>

و آن هنگام که شب فرا رسد ندا کننده ای با صدایی که همه آفریدگان جز جن و انس می شنوند، ندا می کند: ای فرزند آدم! آن چه در من رخ دهد، شهادت خواهم داد. پس از من سود بگیر! زیرا همین که آفتاب طلوع کند، در من هیچ عمل نیکی نمی توانی بیفزایی و از هیچ عمل بدی نمی توانی بازگردی. همین سخن را، روز نیز می گوید؛ آن گاه که شب سپری شود.

غیر از این هفت شاهد موارد دیگری نیز آمده است؛ چرا که خداوند تعالی از آفریدگان خود، مراقب و ناظری برای یکایک بندگان قرار داده که این ناظران، اعمال بنده ها را حفظ می کنند و افعال آنان را شمارش می نمایند... .

آن گاه خداوند تعالی نیز درباره اعمال بندگان خود از این ناظران، شهادت و گواهی می گیرد. سپس به واسطه گواهی ناظران به محاسبه اعمال بندگان و پس از اتمام حجت بر بندگان به مجازات آنان اقدام می نماید تا دیگر مردم بهانه و حجتی در برابر خداوند نداشته باشند... .

۱۴۱. همان.

۱۴۲. همان: ۷ / ۳۲۵، حدیث ۲۰.

۱۴۳. همان، حدیث ۲۱.

## کتاب نامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه: سید رضی، تحقیق: شیخ محمد عبده، دار الذخائر، قم، چاپ یکم، سال ۱۴۱۲.
۳. الإحتجاج: احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، تحقیق سید محمد باقر خراسان، دار النعمان، سال ۱۳۸۶.
۴. الاعتقادات فی دین الامامیه: محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق، دار المفید، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.
۵. الإقتصاد: محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، مکتبه چهل ستون، تهران، سال ۱۴۰۰.
۶. الأمالی: ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، ملقب به شیخ مفید، جامعه مدرسین، قم.
۷. الأمالی: محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، تحقیق مؤسسه بعثت، نشر دار الثقافه، قم، چاپ یکم، سال ۱۴۱۴.
۸. الأمالی: محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامیة مؤسسة البعثة، مؤسسة البعثة، قم، بی تا.
۹. بحار الانوار: محمد باقر مجلسی (علامه مجلسی)، مؤسسه وفا، بیروت، چاپ دوم، سال ۱۴۰۳.
۱۰. بصائر الدرجات: محمد بن حسن بن فروخ صفار، مؤسسه اعلمی، تهران، چاپ یکم، سال ۱۴۰۴.
۱۱. التسهیل لعلم التنزیل: محمد بن احمد غرناطی معروف به ابن جزی کلبی اندلسی، دارالکتاب عربی، بیروت، سال ۱۴۰۳.
۱۲. تفسیر ابن کثیر (تفسیر القرآن العظیم): اسماعیل بن عمر قرشی بصری (معروف به ابن کثیر)، دار المعرفة، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۲.
۱۳. تفسیر التبیان (التبیان فی تفسیر القرآن): ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، چاپ یکم، سال ۱۴۰۹.

۱۴. *تفسیر الثعالبی (جواهر الحسان فی تفسیر القرآن)*: عبدالرحمان بن محمد ثعالبی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ یکم، سال ۱۴۱۸.
۱۵. *تفسیر الجلالین*: جلال الدین محمد بن احمد محلی و جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر سیوطی، تحقیق: مروان سوار، دارالمعرفة، بیروت.
۱۶. *التفسیر الرازی (مفاتیح الغیب)*: محمد بن عمر معروف به فخررازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، سال ۱۴۲۰.
۱۷. *تفسیر الراغب*: ابوالقاسم حسین بن محمد بن مفضل معروف به راغب اصفهانی.
۱۸. *تفسیر السمعی*: منصور بن محمد بن عبدالجبار سمعی، تحقیق: یاسر بن ابراهیم و غنیم بن عباس بن غنیم، دار الوطن، ریاض، چاپ یکم، سال ۱۴۱۸.
۱۹. *تفسیر الصافی*: ملا محسن فیض کاشانی، مکتبة الصدر، تهران، چاپ دوم، سال ۱۴۱۶.
۲۰. *تفسیر العیاشی*: محمد بن مسعود بن عیاش سمرقندی معروف به عیاشی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، مکتبه علمیه اسلامیة، تهران، بی تا.
۲۱. *تفسیر القرآن الکریم*: سید عبدالله شبر، تحقیق دکتر حامد حفنی داوود، چاپ سوم، سال ۱۳۸۵.
۲۲. *تفسیر القرآن*: عزّ الدین عبدالعزیز بن عبد السلام سلمی دمشقی شافعی، دار ابن حزم، بیروت، چاپ یکم، سال ۱۴۱۶.
۲۳. *تفسیر القرطبی (الجامع لأحكام القرآن)*: قرطبی، تحقیق و تصحیح: احمد عبدالعلیم بردونی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۲۴. *تفسیر القمی*: ابوالحسن علی بن ابراهیم قمی، مؤسسه دارالکتاب، قم، سال ۱۴۰۴.
۲۵. *تفسیر المیزان*: سید محمدحسین طباطبائی، جامعه مدرسین، حوزه علمیه قم.
۲۶. *تفسیر جوامع الجامع*: امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی، تحقیق و نشر مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ یکم، سال ۱۴۱۸.
۲۷. *تفسیر مجمع البیان*: امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی، تحقیق: گروهی از محققین، مؤسسه الأعلمی، بیروت، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵ - ۱۹۹۵ م.
۲۸. *جواهر الکلام فی معرفة الامام*: سید علی حسینی میلانی، نشر الحقائق، قم، چاپ یکم، سال ۱۳۹۰.
۲۹. *حقائق الایمان*: زین الدین جبعی عاملی، معروف به شهید ثانی، نشر کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.
۳۰. *حقّ الیقین فی معرفة اصول الدین*: سید عبدالله شبر، مؤسسه الأعلمی، تهران،

- ٣١ . الدر المنثور فى التفسير بالمأثور: جلال الدين عبدالرحمان بن ابى بكر سيوطى، دار المعرفة، بيروت، بى تا.
- ٣٢ . روضة الواعظين: محمد بن فتال نيشابورى، منشورات رضى، قم.
- ٣٣ . زاد المسير فى علم التفسير: ابوالفرج جمال الدين عبدالرحمان بن على بن محمد جوزى قرشى بغدادى، تحقيق: محمد بن عبدالرحمان عبدالله، دار الفكر، بيروت، چاپ يكم، سال ١٤٢٢.
- ٣٤ . سنن ابن ماجه: محمد بن يزيد قزوينى معروف به ابن ماجه، تحقيق: محمد فؤاد عبدالباقي، دار الفكر، بيروت، بى تا.
- ٣٥ . سنن دارمى: عبدالله بن الرحمان بن فضل بن بهرام دارمى، مطبعة الاعتدال، دمشق، سال ١٣٤٩.
- ٣٦ . شرح اصول الكافى: مولا محمد صالح مازندراني، دار احياء التراث العربى، بيروت، چاپ يكم، سال ١٤٢١.
- ٣٧ . صحيح البخارى: محمد بن اسماعيل بخارى، دار الفكر، بيروت، سال ١٤٠١.
- ٣٨ . صحيح مسلم (الجامع الصحيح) : مسلم بن حجاج قشيري نيشابورى، دار الفكر، بيروت، بى تا.
- ٣٩ . الصحيفة السجادية الجامعة: سيد محمد باقر ابطحى اصفهانى، تحقيق و نشر مؤسسه الامام المهدي عليه السلام، قم، چاپ نمونه، چاپ يكم، سال ١٤١١.
- ٤٠ . عيون اخبار الرضا عليه السلام: محمد بن على بن حسين بن بابويه قمى معروف به شيخ صدوق، مؤسسة الأعلمى، بيروت، سال ١٤٠٤.
- ٤١ . فتح البارى (شرح صحيح البخارى) : ابن حجر عسقلانى، دار المعرفة، بيروت، چاپ دوم، بى تا.
- ٤٢ . فضائل الاشهر الثلاثة: محمد بن على بن حسين بن موسى بن بابويه قمى، معروف به شيخ صدوق، دارالمحجة البيضاء، بيروت، چاپ دوم، سال ١٤١٢.
- ٤٣ . فضائل الشيعة: محمد بن على بن حسين بن موسى بن بابويه قمى، معروف به شيخ صدوق، كانون انتشارات عابدى، تهران.
- ٤٤ . الكافى: محمد بن يعقوب كلينى، دار الكتب اسلاميه، چاپ پنجم، سال ١٣٦٣ ش.
- ٤٥ . كتاب الاربعين: شيخ بهاء الدين محمد بن حسين بن عبدالصمد عاملى جبعى معروف به شيخ بهائى.

- ٤٦ . **كشف المراد فى شرح تجريد الاعتقاد**: حسن بن يوسف بن مطهر (علامة حلّى)، تحقيق: سيد ابراهيم موسوى زنجانى، انتشارات شكورى، قم، چاپ چهارم، سال ١٣٧٣ ش.
- ٤٧ . **متشابه القرآن و مختلفه**: رشيد الدين محمد بن على بن شهر آشوب سروى مازندراني، انتشارات بيدار، قم، سال ١٤١٠.
- ٤٨ . **مجموعه الشيخ ورام**: ابى الحسين ورام بن ابى فراس مالكى اشترى، دارالتعارف ودار صعب، بيروت.
- ٤٩ . **المحجة البيضاء فى تهذيب الأحياء**: محمد بن مرتضى معروف به مولا محسن فيض كاشانى، مؤسسه نشر اسلامى، قم، چاپ سوم، سال ١٤١٥.
- ٥٠ . **مسند احمد**: احمد بن حنبل شيبانى، دار صادر، بيروت، بى تا.
- ٥١ . **مطرح النظر فى شرح الباب الحادى عشر**: شيخ صفى الدين بن فخرالدين طريحي.
- ٥٢ . **معانى الأخبار**: محمد بن على بن حسين بن بابويه قمى معروف به شيخ صدوق، تحقيق على اكبر غفارى، مؤسسه نشر اسلامى وابسته به جامعه مدرسین، قم، سال ١٣٧٩ ش.
- ٥٣ . **من لا يحضره الفقيه**: محمد بن على بن حسين بن موسى بن بابويه قمى، معروف به شيخ صدوق، تحقيق: على اكبر غفارى، مؤسسه نشر اسلامى، قم، چاپ دوم.
- ٥٤ . **النافع يوم الحشر فى شرح الباب الحادى عشر**: فاضل مقداد سيورى حلّى، دار الاضواء، بيروت، چاپ دوم، سال ١٤١٧.
- ٥٥ . **نور الافهام فى علم الكلام**: سيد حسن حسيني لواسانى، مؤسسه نشر اسلامى وابسته به جامعه مدرسین، قم، چاپ سوم، سال ١٤٢٥.
- ٥٦ . **وسائل الشيعه**: محمد بن حسن حرّ عاملى، تحقيق و نشر مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ يكم، سال ١٤١٢.

(٤٥)

## **Beliefs from the Hereafter(١)**

١. *The scale and measurement of deeds*

٢. *Unfolding the book of deeds*

٣. *The speaking of one's organs*

*Ayatollah Seyed Ali Hosseini Milani*